

نشریه‌ی انجمن
نویسندگان کودک و نوجوان

نیمه‌ی اول بهار ۱۴۰۴

۱

نویسندگان



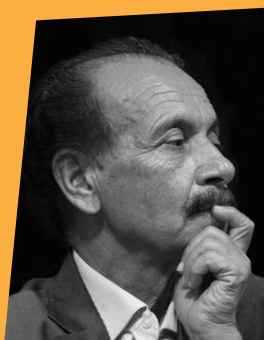
با آثار و گفتاری از

جعفر ابراهیمی / حسن احمدی / افسون امینی / عبدالرحمان اونق /
طاهره‌ی ایبد / محمود برآبادی / اسماعیل امینی / رضا بهنام /
مهدی حجوانی / سحر حدیقه / شیوا حریری / فرهاد حسن‌زاده /
یاسمن درستی / مجید راستی / عباس‌علی سپاهی یونسی / نوشین شعبانی /
مجید شفیعی / مرتضی عبدالوهابی کهکی / فریدون عموزاده‌خلیلی /
روناز کمالی / زهره‌مسکنی / ناهید معتمدی / رضاموزنی / عبدالمجید نجفی /
نیلوفر نیک‌بنیاد / محسن هجری / معصومه یزدانی / منافی جیحی پور

همه مدیون معلمانند نه برعکس!

قدم نورسیده مبارک

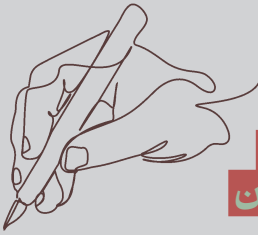
جیغ‌های خاموش



قدردانی از سال‌ها تلاش رضی هیرمندی در
حوزه ترجمه ادبیات کودک و نوجوان

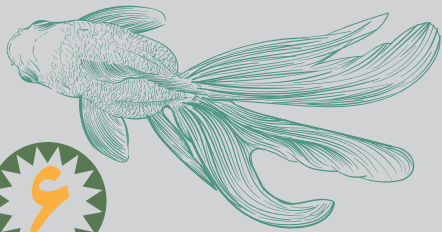
آیین نکوداشت «ثمینه باغچه‌بان»
در آستانه صدسالگی او





سرمقاله | افسون امینی
دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

**ضرورت نشریه‌ی
اطلاع‌رسانی برای
انجمن نویسندگان
کودک و نوجوان**



با هم از بهار گفتن

به بهانهٔ فرارسیدن بهار ۱۴۰۴، شماری از اعضای انجمن ادبیات کودک و نوجوان در کانال «نویسک» پیام‌هایی سرشار از مهر و امید منتشر کردند و شادی و شکوفایی را برای کودکان این سرزمین آرزو نمودند. این یادداشت‌های نوروزی دل‌انگیز را مرور می‌کنیم.



از هیئت‌مدیره چه خبر؟

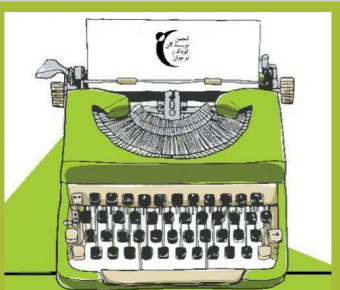


بیانیه‌ی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان درباره‌ی سخنان وزیر و تفاهم‌نامه‌ی آموزش و پرورش با نیروی انتظامی



نشست‌های علمی در یک نگاه

ژاله معینی
انجمن در سال ۱۴۰۳ چهار نشست تخصصی به دبیری دکتر مرجان فولادوند برگزار کرد. در این گزارش این نشست‌ها را مرور کرده‌ایم.



آموزش در فصل بهار زهره شیخی

دبیرخانه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در بهار سال ۱۴۰۴ چندین کارگاه آموزشی برگزار کرد. همچنین در پاییز و زمستان ۱۴۰۳ مجموعاً ۱۱ کارگاه برپا شده بود. در این بخش، گزارش این کارگاه‌ها را می‌توانید بخوانید.



جشن تولد کتاب‌ها

نگاهی به رویداد «فصل نو، کتاب نو» در انجمن نویسندگان کودک



تالار گفت‌وگو

از تعدادی از اعضای انجمن نظرشان را درباره‌ی انتشار مجدد نشریه‌ی داخلی جویا شدیم و از ایشان راهنمایی خواستیم. پاسخ‌های رسیده را بخوانید و شما هم اگر خواستید دیدگاهتان را با ما و دیگران در میان بگذارید.

با هم آموختن و به هم آموزاندن

نگاهی به نشست‌های «گفت‌وگو برای یادگیری» سارا حسین پور



انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در سال ۱۴۰۳ سلسله نشست‌هایی را با عنوان کلی «گفت‌وگو برای یادگیری» آغاز کرد. این نشست‌ها سخنران محوری نداشت و همه‌ی اعضای نشست و کسانی که پیش‌تر اعلام آمادگی کرده بودند، می‌توانستند در بحث مشارکت کنند.



خاطره‌بازی

از اولین مجمع عمومی انجمن چه به یاد دارید؟



مروری بر رویدادهای زهره مسکنی



دیدار نوروزی

۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۴، دیدار نوروزی اعضای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و مراسم انجمن به مناسبت روز جهانی کتاب کودک، با حضور بیش از صد نفر از اعضای این تشکل غیردولتی در فضایی صمیمانه در ساختمان انجمن برگزار شد.

هم داستان، هم نقد داستان

نگاهی به جلسات نقد داستان در انجمن کودک و نوجوان



سیزدهمین دورهٔ نشان لاک پشت پرنده

آیین پایانی سیزدهمین دورهٔ اهدای نشان‌های لاک‌پشت پرنده با همکاری مؤسسهٔ شهرکتاب و حضور نویسندگان، تصویرگران، ناشران، داوران و دوستداران ادبیات کودک و نوجوان، ۲۶ فروردین ۱۴۰۴، در فروشگاه شهرکتاب مرکزی برگزار شد.



ماریون برونه زهره مسکنی

جایزهٔ ادبی آسترید لیندگرن، دومین جایزهٔ بزرگ ادبیات کودک و نوجوان پس از جایزه «هانس کریستین آندرسن» جهان است. ماریون برونه، نویسنده فرانسوی، اول آوریل ۲۰۲۵ (۱۲ فروردین ۱۴۰۴) این جایزهٔ ادبی پنج میلیون کرون سوئد را از آن خود کرد. این مبلغ معادل حدود چهارصد و هشتاد هزار دلار آمریکاست.



جشنوارهٔ کتابخوانی شارجه

شانزدهمین دوره «جشنواره کتاب‌خوانی کودک شارجه» از ۲۵ آوریل ۲۰۲۵ (۵ اردیبهشت ۱۴۰۴) در مرکز اکسپو شارجه آغاز به کار کرد و تا ۴ می (۱۵ اردیبهشت) ادامه داشت. «اداره کتاب شارجه» که برگزاری این جشنواره را بر عهده دارد، شعار این دوره را «کتاب‌ها تور را در بر می‌گیرند» تعیین کرده بود.

نمایشگاه کتاب کودک بولونیا

نمایشگاه کتاب کودک بولونیا به عنوان مرکز پیشرو تبادل حقوق نشر کتاب‌های کودک شناخته می‌شود. امسال بیش از ۱۵۰۰ ناشر از ۱۰۰ کشور جهان از ۱۱ تا ۱۴ فروردین در این نمایشگاه شرکت کردند و موجب بازدید ۳۱ هزار نفر و مبادلهٔ ۳۸۵ قرارداد نشر شدند.



نشریه داخلی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان
شماره یک، نیمه اول بهار ۱۴۰۴، انتشار مهر ۱۴۰۴

مدیر مسئول فریدون عموزاده خلیلی
سر دبیر سیدعلی کاشفی خوانساری
مدیریت هنری سعید باباوند
طراحی گرافیک شکوفه معینی
صفحه‌آرایی استودیو با
با همکاری دبیرخانه انجمن

با سپاس فراوان از
ابراهیم قائمی، احمد قائمی مهدوی، زهره مسکنی

سایر همکاران لیلا بزرگی، پردیس پرتو، ساراسعیدی،
ریحانه قاسم رشیدی، نوشین ملکی، سارانیکی‌خوی،

نشانی دفتر انجمن تهران، خیابان سمیه، بین
مفتح و شهید موسوی (فرصت)، بن بست پروانه،
پلاک ۲، کد پستی ۱۵۸۱۸۷۴۵۱۱
شماره تلفن: ۸۸۳۱۷۲۵۵-۸۸۳۱۷۲۵۶۷-نمابر ۸۸۸۲۵۴۶۷
تلفن همراه ۰۹۳۸۲۸۳۴۹۱۶- برای پیامک و تماس
رایانامه anjoman451@gmail.com
صفحات انجمن را در تلگرام و اینستاگرام با نام
«نویسک» دنبال کنید.
سایت www.nevisak.ir

شماره حساب ۰۹۱۷۰۰۹۱۳۳۴۸۰۰
کارت بانکی ۵۸۹۲۱۰۱۵۶۴۴۷۰۶۸
به نام انجمن فرهنگی نویسندگان کودک و نوجوان

نویسک از همراهی نویسندگان، مترجمان،
روزنامه‌نگاران، تصویرسازان و گرافیست‌ها
استقبال می‌کند.
آثار و دیدگاه‌های خود را درباره انجمن نویسندگان
کودک و نوجوان و ادبیات کودک و نوجوان ایران و
جهان برای ما ارسال فرمایید.

بهترین رفیق



جعفر ابراهیمی شاهد

دوست می دارم تورا
ای رفیقِ مهربان
بهترین یارم تویی
آشنا و همزبان

روزها پُر می شود
با تو تنهایی من
می شود شب، حرفِ تو
شعرِ لایلی من

مثل گنجشک و کلاغ
بال داری، می پُری
و مرا تا آسمان،
تا به دریا می بُری

زندگی در پیشِ تو
خوب و شیرین
می شود

شادمانی می رسد
غصه هایم می رود

چون که تنها می شوم،
تو صدایم می کنی
با تمام این جهان
آشنایم می کنی



ضرورت نشریه‌ی اطلاع‌رسانی برای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

افسون امینی ادبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ا

دنیای امروز، دنیای ارتباطات است و این اصلی پذیرفته شده است. نه اینکه فقط نسل های امروز که با آی‌پد و تبلت و موبایل متولد می شوند و قبل از گفتن مامان و بابا و آب.. گفتن این کلمه ها را یاد می گیرند، که نسل های دیروز و دیروزتر نیز، امروزه ناگزیر از وفق دادن خود با دنیای امروزند. در این میان، نویسندگان کودک و نوجوان برای ارتباط با مخاطبانشان، این نیاز را ضروری تر و بیشتر از دیگر بزرگسالان حس می کنند.



عضویت در گروه ها و کانال های مختلف، حضور پررنگ در فضای مجازی، شرکت در محافل و حلقه های مختلف و... گواهی بر این ادعاست. آنچه اما در این همه کمتر دیده شده است، ضرورت اطلاع از حال و احوال کاری هم و مطلع شدن از جزئیات کارکرد نهادها و تشکل های مربوط به ادبیات کودک است.



بسیاری از ما عضو چند تشکل هستیم و تنها اخبار مرتبط با آن ها را به صورت گذرا دنبال می کنیم؛ اما واقعیت این است که انجمن ها، تشکل های خصوصی و سازمان های مردم نهاد (ان جی آ)، با اعضایشان تعریف می شوند. اعضای که حضور پررنگ دارند، در تصمیم گیری ها مشارکت می کنند و نسبت به مصوبات و آیین نامه های آن تشکل ها حساس و پیگیرند. در واقع این شکل از جایگاه اعضاست که موجب رشد و تعالی آن انجمن ها و تشکل ها خواهد بود. چه بسیار مشکلات و گره ها که با کنار هم بودن و آگاهی از هم حل و باز می شوند و چه کارهای بزرگ که به مدد پشت هم ایستادن و دست در دست هم دادن شکل می گیرند.

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان همیشه این افتخار را داشته است که همه ی کارهایش را با نیروهای داوطلبانه ی اعضایش پیش برده است. از برنامه های بزرگ و سالیانه، تا کارهای جزئی و کم، همگی با لطف بی توقع اعضای مهربان شدنی بوده است. اینک در نیمه ی سال ۱۴۰۴، بعد از وقفه ای طولانی در انتشار یک نشریه ی سازمانی، انجمن به عنوان تشکلی خصوصی که با تکیه بر اعضایش شکل گرفته، بالیده و ادامه می دهد، با دعوت از همه ی اعضای بزرگوار و فرهیخته اش، نشریه ی نویسنک را به منظور اطلاع رسانی از جزئیات اخبار انجمن و ارتباطاتش منتشر کرده است، تا بهانه ای باشد برای دیدارها، هم صحبتی ها و هم فکری های بیشتر شما عزیزان با انجمن و هیئت مدیره و نیز ایجاد بستری برای دسترسی شما به اخبار و اتفاقات مربوط به این نهاد فرهنگی. بدیهی است در این راه، چشم امیدمان به دست های همدل و کمک رسان شماست، چرا که این چراغ، روشنایی خود را از مهر و توجه شما می گیرد.

با هم از بهار گفتن

به بهانهٔ فرارسیدن بهار ۱۴۰۴، شماری از اعضای انجمن ادبیات کودک و نوجوان در کانال «نویسک» پیام‌هایی سرشار از مهر و امید منتشر کردند و شادی و شکوفایی را برای کودکان این سرزمین آرزو نمودند. این یادداشت‌های نوروزی دل‌انگیز را مرور می‌کنیم.

مدیحه عدالت یار



مجید شفیعی

نویسنده‌ای ساکن شهر زیبای قزوین است و آثار فراوانی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان خلق کرده است.



چشم‌های سبز نوروز

بهار در صدای سارهای خانه‌ی ما می‌شکفت. در نگاه آن انجیر پیر قد می‌کشید، سپس نوروز شکوفه می‌کرد در شوق معصومانه‌ی ما. در عمق چشمان منتظرمان، نوروز می‌آمد با آن نغمه‌های سحرانگیز، چشم‌های شگفت‌انگیز، رنگ در رنگ می‌درخشید، شبیه لحاف چل‌تکه‌ی مادر بزرگ بود؛ رنگارنگ، چون شعری که من در ابیاتش آرام می‌گرفتم. نوروز می‌آمد با چشمانی سبز، با افسونی سبز، با نغمه‌ای سبز در آغوشم می‌گرفت، چون شعری زلال. چون مهری لایزال، چون تنفس سپیده‌دمان و مرا با خود می‌برد به دیدار باغ و دشت و کوه و رود.

گفتم: ای نوروز! ای روز نورافروز! ای نغمه‌ی مهرانگیز! از تو چه گویم؟ چگونه از تو بگویم که غیر شعر نتوانم از آغوش مهربانت بگویم. قد کشیدم؛ چون سروها و صنوبرها و سپیدارهای باغ و در نگاه آن انجیر پیر و در صدای سارها و رودها و صبوری کوه‌ها و ترانه‌های مادر بزرگ و در آغوش سبزت سرودم:

در عمق چشمان مه‌گرفته‌ات

بر موهای شب‌نم نوشته‌ات

بر دست‌های باران سرشته‌ات

نوروز خانه دارد بهار



محسن هجری

نویسنده‌ای موفق و پژوهشگری زاده بروجرد است که سال‌ها مسئولیت‌های مختلفی در انجمن نویسندگان کودک و نوجوان هم داشته است.



در سال نو معجزه را بسازیم!

نه فقط آرزوی من، که آرزوی همه‌ی ما، شادمانی و تندرستی و کامیابی در سال پیش روست.

نه فقط برای من و شما، که برای تمامی مردمانی که در این مرز و بوم زندگی می‌کنند و برای تحقق این آرزوهای خوب نیازمند یک معجزه هستیم. اما نه چیزی شبیه به عصای موسی و شفابخشی عیسی، بلکه چیزی که در همین نزدیکی‌ها، از فرط ظهور و پداخت پنهان شده!

خرد گمشده!

و معجزه با این کلام جادویی به وقوع می‌پیوندد: «نمی‌دانیم!»

ما نیاز داریم بدون شرمندگی و غرور بگوییم نمی‌دانیم تا خرد گمشده به ما رخ نشان دهد.

ما نیاز به بازاندیشی داریم، اما نه با سرزنش دیگران و زخم زبان زدن به این و آن و پیدا کردن مقصر در جایی دیگر؛ گویا که خود در سراپرده‌ی عصمت نشسته‌ایم. بلکه نیاز داریم که بازاندیشی را از خود آغاز کنیم تا در این سیر و سلوک درونی، خرد گمشده از پس پرده بیرون بیاید.

ما نیاز به بازاندیشی و تجدید نظر داریم. ما نیاز به گفت‌وگو با دیگران داریم، اما نه به منظور اقناع دیگران، بلکه تلاش برای شنیدن صداهای متفاوت!

ما نیاز داریم راوی دانای کل، جا را برای راویان سوم شخص باز کند.

ما نیاز داریم که مانند کم‌شنواها دست را پشت لاله‌ی گوش‌هایمان بگیریم تا بسیار دقیق‌تر صدای راویان سوم شخص را بشنویم.

پس از سال‌ها، زبان ما نیاز به استراحت دارد. بگوییم نمی‌دانیم تا زبان در کام آرام بگیرد و در عوض، گوش‌ها را تیز کنیم تا معجزه‌ی خرد گمشده به وقوع بپیوندد.

گمشده‌ای که در شناسنامه‌اش نام جمعیتی بزرگ ثبت شده، به بزرگی یک جامعه و تک تک کسانی که می‌توانند در هویت‌بخشی به این گمشده ایفای نقش کنند.

رضا موزونی

زادهٔ ۱۳۵۰ گیلانغرب شاعر، نویسنده،

پژوهشگر و مجری صدا و سیمای مرکز

کرمانشاه است که سال‌ها مدیر‌کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان

کرمانشاه و مدیر انتشارات کانون بود.



یک جنگل بلوط و یک آسمان باران

بهار، سرود سبز آفرینش و شناسنامه‌ی شادی‌های ماست. روزهایی زیبا که برای ما مژده‌ی جلد شکلات‌هایی بود که نقش پول‌های نداشته‌مان را بازی می‌کردند.

سال‌هایی که با دست‌هایی تهی، کوچه در کوچه رقص قاصدک‌ها داشتیم، یک جنگل بلوط و یک دشت برف و یک آسمان باران مال ما بود. عید بود و مادر، مهره‌ی آبی را در کلوچه‌ای گذاشته بود که زیر گرمای خاکسترهای داغ می‌پخت و ما دلخوش به تکه‌ای از آن بودیم که مهره را در خویش داشته باشد و پیشانی بلند سالِ در پیش باشیم.

پدر داسش را چون علامت سؤالی بی‌پاسخ بر دیوار می‌آویخت و لب‌خند خسته‌اش را سوی قابلمه‌ی روی اجاق جاری می‌کرد. و سال‌ها بی‌آن‌ها آمدند و رفتند و ما پدر شدیم و هنوز سایه‌ی کوه‌وار پدر را و لب‌خند چشمه‌پوش مادر را در زندگی کم داریم.

می‌کشم نقاشی

با ممداد اندوه

جای مادر چشمه

جای بابا یک کوه

پر کشیدن تاکوه

در دو بالم جاری‌ست

چشمه چشمه مادر

در خیالم جاری‌ست

و اکنون با وجود همه‌ی رنج‌های در راه و بیراه، که پنجره‌های امیدمان را بسته‌است، دلخوش به تراوش دلتنگی‌های قلمی هستیم که هنوز در هوای کودکان تپ نوشتن دارد.

برای همه‌ی رونندگان راه ادب و هنر، به ویژه ساکنان کوچه‌باغ ادبیات کودکان آرزوی روزهایی خوب داریم.

عبدالرحمان اونق

نویسنده و داستان‌نویس اهل

ترکمن صحرا و از چهره‌های شناخته‌شده

در روایت‌های بومی و فرهنگی

ترکمن‌هابه‌شمار می‌آید.



نوجوانی من و نوروز

بوی بهار که می‌رسد یاد کودکی و نوجوانی‌هایم می‌افتم. ترکمن‌ها پانزده اسفند که درخت‌ها رنگ عوض می‌کنند، می‌گویند بهار دارد در می‌زند، و ما از همان بجگی لحظه‌شماری می‌کردیم که مدرسه‌ها زودتر تعطیل بشوند و برویم دنبال ماهی‌گیری. آخر هرچه ماهی می‌گرفتیم، پولش مال خودمان بود. رودخانه‌ی گرگان درست از پشت خانه‌ی ما می‌گذشت. رودی گل‌آلود و لب‌الب، روخانه‌ای که مثل اژدهای بزرگ پیچ و تاب می‌خورد و راه دریا را پیش می‌گرفت. برای ساحل‌نشین‌ها اما اژدها، اژدهایی پُریکت بود. کم سن و سال که بودیم، بزرگ‌ترها توری برایمان درست می‌کردند و دستمان می‌دادند که نامش بود «گندله». سیم مفتول را گرد می‌کردند و تور را به سیم می‌بستند تا کیسه‌ی توری درست شود. نی قطوری را هم دسته‌اش می‌کردند و می‌دادند دستمان تا از رودخانه ماهی صید کنیم. ولی با گندله نمی‌شد ماهی زیادی صید کرد. بیشتر تلجه بود و گاهی هم کپور.

به سن نوجوانی که می‌رسیدیم، خانواده‌هایمان تور ماهی‌گیری بزرگی برایمان درست می‌کردند. نوعی تور ماهی‌گیری که به زبان محلی «سالیک» به آن می‌گفتند که سه نفری باید با آن کار می‌کردیم. یک نفر طناب‌کش بود که باید سمت دیگر رودخانه می‌رفت و دو نفرمان هم با تور این طرف رودخانه می‌ماندیم و تور را در رودخانه می‌انداختیم. طناب‌کش تور را تا وسط‌های رودخانه می‌کشید. بیست، سی متر که تور را در مسیر رودخانه با خود می‌بردیم، طناب‌کش طناب را رها می‌کرد و ما تور را به کناره‌ی رودخانه می‌کشیدیم. تور از ماهی کپور پُر

برمی‌گشت. چنان لذتی از صدای آب و کپورهایی که بالا پایین می‌پریدند، می‌بردیم که قابل وصف نبود. البته بعداً که کپورها را می‌فروختیم و پول به دست می‌آوردیم هم کیف می‌کردیم، اما موقع کار به فکر پولش نبودیم. لباس‌ها و تن و بدنمان گلی می‌شد، دست‌هایمان از سرمای حس می‌شد و باد می‌کرد. بعد که می‌خواستیم گرمش کنیم، چنان می‌سوخت که از خیر گرم کردن دست‌هایمان می‌گذشتیم. اما کی اهمیت می‌داد؟ فقط به لذت کار فکر می‌کردیم و از شادی صید خوب، آوازخوان و رقص‌کنان به خانه برمی‌گشتیم.

همین الآن هم که دارم از آن روزها تعریف می‌کنم، تمام آن روزها و سال‌ها جلوی چشمم رژه می‌روند. یادآوری‌اش هم لذت‌بخش است. تمام پانزده روز تعطیل، کارمان ماهی‌گیری بود و لذت بردن از آن. بچه‌های ساحل‌نشین تعطیلات نوروزی‌شان با کار در رودخانه می‌گذشت. بزرگ‌ترین آرزوی بچه‌های کوچک این بود که زودتر بزرگ شوند و با تور ماهی‌گیری دنبال صید ماهی بروند. حتی دانشجویان روستاهای ساحل‌نشین هم تعطیلاتشان را با ماهی‌گیری سپری می‌کردند...

این سال‌ها به خاطر برنامه‌ی ترویج کتابخوانی که دارم، به مدارس و مراکز فرهنگی شهرستان‌های بندر ترکمن و گمیشان می‌روم و برای بچه‌ها قصه هم تعریف می‌کنم. چند ماه پیش، وقتی برای اعضای نوجوان کتابخانه‌های عمومی شهرستان بندر ترکمن قصه‌نویسی تدریس می‌کردم، همه یک سؤال مشترک داشتند که چرا بیشتر نویسندگان مطرح ترکمن بندر ترکمنی هستند. در کودکی من، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بندر ترکمن یکی از مراکز فعال در داستان‌نویسی بود. تمام نویسندگان ترکمنی که الآن در سطح کشور مطرح هستند، آب کانون را خوردند و به جایی رسیدند. قرار شد که من ایده‌ای برایشان مطرح کنم تا آن‌ها از تخیلاتشان بهره بگیرند و داستان بنویسند. من از تعطیلات نوروز نوجوانی‌های خودم که همان خاطره‌ی ماهی‌گیری بود، برایشان تعریف کردم. انگار برای بچه‌ها داشتم افسانه تعریف می‌کردم.

باورشان نمی‌شد گرگان رودی که من از آن تعریف می‌کردم، وجود خارجی داشته باشد. آخر گرگان رود الآن خشک شده و نیزار و خارزارها به جای آب روان، آنجا را پُر کرده و محل زندگی مارها و شغال‌ها شده است. گفتم برایشان که همه‌ی آن چیزهایی را که من تعریف کردم، می‌توانند در خیالشان بازسازی کنند و برایش ماجرا و تصویر بسازند. قرار شد ماه بعد هم در جلسه‌شان بیایم و قصه‌هایی را که نوشتند، ببینم.

یک ماه بعد که برگشتم، رودخانه پر از آب شده بود و آبی به رنگ قرمز و قهوه‌ای مثل اژدها پیچ و تاب می‌خورد و سمت دریا می‌رفت. ماهی‌های کپور از سر و کول بچه‌ها بالا می‌رفتند و با هم می‌رقصیدند و آواز می‌خواندند.

مناف یحیی پور

روزنامه‌نگار، نویسنده و سردبیر باسابقه مطبوعات کودک و نوجوان است که از زمان تاسیس از همراهان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بوده است.



دروازه‌های صبح را به روی ما بگشا

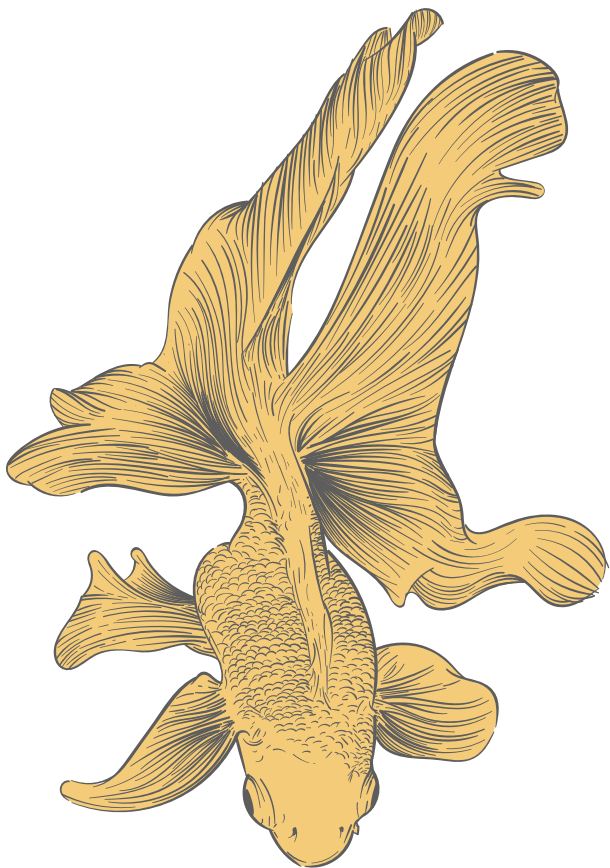
بهار، فصل رویش و شکوفا شدن، و هنگام نوشتن است. برای همین از نمی‌دانم کی، روز آغاز چنین تحولی را «نوروز» نامیده‌ایم که به تدریج فراتر از یک روز شده است. گمان کنم در همراهی با این نوشتن و جان گرفتن دوباره‌ی زمین، هم‌زمان با جشن گرفتن نوروز سعی کرده‌ایم در حد توان، خود را نیز نونوار کنیم و نوترین لباس‌هایمان را بپوشیم؛ شاید به نشانه‌ی دوستی و بلکه یکی شدن با طبیعت.

از سوی دیگر و در فرهنگ اسلامی، ماه مبارک رمضان را بهار قرآن لقب داده و سفارش کرده‌اند در این ماه بسیار قرآن بخوانیم و در آیه‌های آن تأمل کنیم و درباره‌ی برداشت‌های خود از این آیه‌ها، با هم به گفت‌وگو بنشینیم؛ کاری که تقریباً آن را از یاد برده‌ایم.

ماه رمضان هم این لقب «بهار قرآن» را با خود دارد و هم شب قدر را به عنوان شبی برای شناختن قدر و اندازه یا تقدیر و سرنوشت سال پیش رو را در درون خود دارد؛ چیزی که شاید بتوان آن را از جهاتی شبیه نوروز و تعیین تکلیف وضعیت سال پیش رو دانست. علاوه بر این، برای ما شیعیان، ماه رمضان و شب‌های قدر، با نام و یاد امیرمؤمنان علی (ع) هم پیوند خورده است.

حالا در این سال‌ها (پس از حدود یک سوم قرن) بهار قرآن با بهار طبیعت و شب‌های قدر با نوروز تلاقی کرده‌اند. می‌توان این تلاقی را به فال نیک گرفت، برای تلاشی دوچندان در نوشتن، تلاشی دوچندان در اندیشیدن و دست یافتن به برداشت‌های تازه از آیه‌های این کتاب بزرگ، تلاشی دوباره برای نو کردن شناخت و تصویرمان از امامی که قرن‌هاست در فرهنگ ما حضور دارد و بسیاری از ما خود را پیرو او می‌دانیم و نامش را بزرگ می‌شماریم.

شاید تقارن نوروز و شب قدر و یاد امام علی (ع)، فرصتی استثنایی برای دوستداران و پیروان او باشد که نامش با عدالت گره خورده است و دوستدار طلوع و دمیدن آفتاب و روشنایی صبح بود؛ فرصتی تا با الهام از آموزه‌های او بیشتر بکوشیم راهی تازه به روی خود و سرنوشت خود باز کنیم. فرصتی برای اینکه در پی شناختی تازه، گشایشی تازه، فصلی تازه و طلوعی تازه باشیم و همراه با او و از زبان او بگوئیم و بخواهیم که: «خدایا، باکلید مهربانی‌ات، دروازه‌های صبح را به روی ما بگشا».



روناز کمالی

بیشتر هنرمند، مدرس پرفورمنس آرت و مدیر خانه فرهنگ و هنر آرسن است و آثار فراوانی هم برای کودکان و نوجوانان نوشته و منتشر کرده است.



بهار در تو می‌رسد، تو می‌روی به بهار

که شوریده، سنگ را بشکافد و کاری بکند؛ دو تحول درون هم باشد، شبیه شکافته‌شدن دانه‌ی اتم درون یک شتاب‌دهنده‌ی زمان. به این فکر می‌کنم که سیر زمان از کجا، از کدام حلقه‌ی منظومه‌ی شمسی، از کدام درنگ به تحول نیاز پیدا کرد که بهار و جنگ، که زیبایی و شقاوت هردو، مبدأ زمان شدند؟

ای کاش بوته‌ی توت‌فرنگی به سرم هم راه داشت، ای کاش سرم بی‌خبر بود، جوانه‌های توت‌فرنگی خودش را می‌کشید بالاتر، بالاتر از چشم‌ها یا شاید همان حوالی، دو دانه می‌رویید و گل می‌داد و میوه می‌داد، می‌چشیدم که این سرخی‌های سرم چه رازی دارند، شاید می‌رسیدم به اینکه سرخی‌های سرتو در چه روییده‌اند، و سرخی‌های سر او چرا به جای توت‌فرنگی، جنگ می‌دهند. شاید...

حالا این را نمی‌دانم، اما می‌دانم بهار در تومی‌رسد و تومی‌روی به بهار، من هم، و او هم... او که به جای توت‌فرنگی، سرخی جنگ می‌دهد، هم از بهار ناگزیر است؛ زیرا ما در برابر زیبایی ناگزیرتریم.

یاسمن درستی

متولد ۱۳۴۸، بهبهان، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان ساکن استان زرخیز خوزستان است. این عضو عزیز انجمن در سال گذشته فرزندش را از دست داد و در بهاریه‌اش از این داغ بزرگ سخن گفت.



گاهی نوروز...

گاهی نوروز بی‌بنفشه می‌آید، بی‌رنگین کمان لبخند در آستان خالی خانه، تنگ بلور و ماهی...

ماهی‌ها را که از آب بگیرند، رود رود می‌گویند...

برای خودم آری، اما برای مرگ اوستا آماده نبودم، حتی خوابش را هم نمی‌دیدم. (یک خطای غافلگیرکننده)

بلی امسال قرعه به نام من افتاد. خوزستانی که باشی، غم تو خودبه‌خود تمام معادلات اطرافیان را تغییر می‌دهد. سوگ اوستا متعلق به کوچه، به شهر، به همه‌ی کسانی می‌شد که به نحوی با ما در ارتباط بودند.

هر کدام تکه‌ای از درد نبود او را به دوش کشیدند. می‌گویند آدمی در اندوه تنه‌است. مانند زادن، زادن به مثابه‌ی بزرگ‌ترین بدبیناری، بزرگ‌ترین خطر؛ اما من تنها نبودم.

مرا چراغ بودند در چهل روز سیاه. در آستانه‌ی بی‌رونق سال نو که ماهی را از آب گرفته بودند و صدای رود رود گوش فلک را کر می‌کرد.

پس از گلباران خاک اوستا به خانه آمدم. زمانی باقی بود تا تحویل سال. سفره‌ای کوچک انداختم و همه‌ی آنان را که تا واپسین دم همراهم مانده بودند، کنارش نشاندم، تا پادمان نرود که حواسمان به دیگران هم باشد. وقتی همه یکدیگر را در آغوش گرفته بودیم، جامه‌ای بافته شد که برانزنده‌ی نام آدمی بود.

مرتضی عبدالوهابی کهکی

نویسنده و شاعر کودک و نوجوان به‌ویژه در زمینه کودکان با نیازهای ویژه. او متولد سال ۱۳۵۱ و ساکن شهر زیارتی قم است.



نوروز در کهک

نوروز در کهک از پس زمستان‌های سرد می‌آمد. آن زمان که من کودکی هفت ساله بودم. هفت سالگی برایم لحظه‌ی شگفت عزیمت بود. ما آخرین نسلی بودیم که در هفت سالگی به مدرسه رفتیم. مدیرمان آقای وافی پیپ می‌کشید و معلم‌مان آقای رعایایی در کنار درس، کتاب داستان برایمان می‌خواند. من داستان عمونوروز و ننه سرما را قبل از عید در کتاب درسی پایه‌های بالاتر خوانده بودم و نقاشی‌های قشنگش را دیده بودم. آن سال‌ها عمو نوروز و ننه سرما هنوز خواهر و برادر نبودند و به وصال هم نرسیده بودند. به گمانم هنوز هم نرسیده باشند!

آخرین روزهای اسفندماه مدرسه تعطیل می‌شد. شاد و خرم به سمت خانه می‌دویدیم. مسیرمدرسه تا خانه پر بود از مغازه‌های خیاطی. آن‌سال‌ها، زمستان‌ها تا اردیبهشت‌ماه کش می‌آمد. خانه‌ی

پدربزرگ دو درخت توت کهنسال داشت. کرسی چوبی گرم و نرمی انتظارم را می‌کشید. روی کرسی می‌نشستم و روزهای عید کارتون‌های سیاه و سفید می‌دیدم. یوگی و دوستان، تنسی تاکسیدو و چاملی، معاون کلانتر و خیلی کارتون‌های زیبای دیگر. مادربزرگ با چارقد سفید و موهای حنا بسته‌اش سفره‌ی هفت‌سین را در بالاخانه پهن می‌کرد و به من آجیل می‌داد. از چند روز قبل سبزه‌ی شب عید را کاشته بودیم. لحظه‌ی تحویل سال از پدربزرگ و مادر بزرگ عیدی می‌گرفتم؛ اسکناس‌های دو تومنی تا نخورده. اطراف کهک پر از گندمزار بود. آن سوتر از زمین‌های کشاورزی، دشتی سبزرنگ بود که از دامنش گیاه قوقوچه می‌چیدیم و با آن تخم‌مرغ‌های عید را بنفش می‌کردیم. لباس نو می‌پوشیدیم و به عیددیدنی می‌رفتیم و به عیددیدنی ما می‌آمدند.

کهک درخت چنار باشکوهی داشت و دارد که می‌گویند ملاصدرا فیلسوف بزرگ شرق آن را کاشته است. ملاصدرا بعد از تبعید از اصفهان یازده سال در کهک اقامت کرد. پایین درخت چنار، استخری زیبا بود که آب قنات خیرآباد به آن سرازیر می‌شد و دسته‌ی مرغابی‌ها در آن شنا می‌کردند. ایام عید برای زیارت به امامزاده زینب خاتون (حضرت معصومه) کهک می‌رفتیم و تخم‌مرغ رنگی می‌خریدیم. آن سال‌ها آخرین مسابقات کشتی، روز سیزده‌به‌در در محله در قلعه، آن سوی رودخانه‌ی فصلی برگزار می‌شد. مردم کهک علاوه بر پیشه‌ی خیاطی، کامیون‌دار هم هستند. چند چادر برزنتی کامیون را کنار هم پهن می‌کردند. بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها کشتی می‌گرفتند. یادش به خیر چه زود گذشت. چه زود دیر شد!

عبدالمجید نجفی

نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان و ساکن شهر زیبای تبریز است که آثار داستانی، تاریخی و بازآفرینی‌های متون کهن فارسی را برای این گروه سنی منتشر کرده است.



بهار خانوم خجالتی

بهار مثل خودم کمی خجالتی ست. نجیب است. سرزده نمی‌آید. ماه ماهی-اسفند - را پیش‌تر می‌فرستد تا ابرهای پر ذوق و شوقش ببارند و درخت‌ها را آرام آرام بیدار کنند. آن وقت «بهار خانوم» از دروازه‌ی نوروز می‌آید با ارابه‌ی سوغاتی‌هایش. از نسیم گرفته تا چلچله‌ها و نم‌نم باران و بوی غوغاگر گل‌های مریم. به پیشوازش می‌روم تا سیر نگاهش کنم.

سحر حدیقه

نویسنده و مترجم ساکن شیراز با نگاهی خلاقانه و طنزآمیز، آثار متنوعی برای کودکان و نوجوانان نوشته و ترجمه کرده است.



نوروز کودکی و نامه به بهار

از وقتی یادم هست، از اول‌های اسفند، توی خانه بوی انواع و اقسام شوینده‌ها می‌پیچید. روزها بسته‌بسته روزنامه وسط‌ها پخش می‌شد برای پاک کردن شیشه‌ها. آخر شب‌ها با خواهرم بگومگو داشتیم که کی بیشتر کار کرده. من می‌گفتم: «حتی زیر تلویزیون را هم تمیز کردم.» او بادی توی غیغبش می‌انداخت که: «من حتی کف کفش‌ها را هم تمیز کردم.»

از چند روز مانده به عید، سفره‌ی هفت‌سین را با وسواس می‌چیدیم. مامان بزرگ یک روز مانده به سال تحویل، سبزه‌ها را برایمان می‌آورد. برای هر کدام یکی. شب قبل از سال تحویل، لباس و کفش و جوراب نورا مرتب می‌گذاشتیم کنار تشک. من یواشکی برای بهار نامه می‌نوشتم که وقتی آمد، بفهمد چقدر بیشتر از خواهرم، یا حتی بچه‌های دیگر خاطرش را می‌خواهم. مجری تلویزیون که از بوی بهار حرف می‌زد، فکر می‌کردم بهار، چطوری می‌خواهد بوی گل و شکوفه را بریزد توی شهر و خانه‌ها. با چه وسیله‌ای؟

منتظر بودم وقتی بمب اول سال را می‌اندازند، بهار تق تق در بزند و بیاید تو. جلوی چایی بگذاریم. میوه پوست بکند و تق تق پسته و بادام و فندق بخورد. یواشکی نامه‌ام را توی دستش بگذارم. او هم بگوید آفرین! تو بیشتر منتظر بودی. بعد از سیزده به در که نیامدن بهار توی ذوقم می‌زد، نامه‌ام را پاره می‌کردم و می‌گفتم: «دیگر گولش را نمی‌خورم.»

اما هنوز که هنوز است شب عید کفش و لباس‌هایم را مرتب می‌چینم و منتظرم بهار بیاید. منتظرم صدایش را بشنوم و با آمدنش بوی گل و شکوفه پیچد توی خانه. هنوز که هنوز است برایش نامه می‌نویسم تا بداند من بیشتر از همه خاطرش را می‌خواهم.



نوشین شعبانی

نوشین شعبانی نویسنده کودک و نوجوان ساکن شهر زیبای بجنورد است که آثار متنوعی با رویکرد آموزشی، تربیتی و داستانی منتشر کرده است.

پرنده مهمان!

با شروع سال جدید، پرنده‌ای مهمان محله‌ی ما شده که هر نیمه شب در دل تاریکی آواز می‌خواند و لبخند بر لب‌هایمان می‌نشاند.

شب‌ی صدایش را ضبط کردم و دانستم توکای سیاه است.

یکی از دوستان پرنده‌دوستم گفت: پسِ هر شب سیاهی بر سیاهی می‌تازد و بر آن ترک می‌اندازد.

دیگری گفت: معجزه‌ی بهار است. توکای شما بهارمست شده.

اندیشیدم: چه واژه‌ی بامسمایی!

شاید روزگاران تیره باشد، اما می‌شود بر سیاهی آن نیفزاییم. به استقبال بهار برویم، شگفتی‌های طبیعت را ببینیم و با کلامی، رقصی، آوایی و حتی زمزمه‌ای، زیبایی هستی را جشن بگیریم.

امیدوارم بهارمست باشید و برقرار!

نوروز ۱۴۰۴ خجسته باد.



ناهِید معتمدی

نویسنده، مترجم، منتقد و پژوهشگر پیشکسوت، متولد همدان و ساکن تهران است.

فصل خنده‌ها شگفتن‌ها!

بهارجان صدا و آوای قدم‌هایت را می‌شنوم. چلچله‌ها به رقص آمده‌اند. طنین نوای قناری‌ها و ملودی کوک شده‌ی گنجشک‌ها در انتظارند. همه و همه مقدمت را پاس می‌داریم.

فصل رنگین کمان. ای بهار!

در این سال نو چشم بر تلخی‌های ایام ببند. در این سال نوباران رویش زایت را بر طبیعت تخریب شده نثار کن. جنگل‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها زخم خورده‌اند. مرهم و جان‌بخش جان آن‌ها باش. چرا که آمده‌ای زنده و شکوفا کنی. خنده را بر لبان پیوند دهی و گل برافشانی و طرحی نو دراندازی در زمین، طبیعت و انسان‌های این بوم و خاک.

بهارِ مهربانی و شادی مقدمت مبارک باد.

عباسعلی سپاهی یونسی

نویسنده و شاعر و روزنامه‌نگار در سال ۱۳۵۴ در روستای یونس، نزدیک شهر گناباد، متولد شده و سال‌هاست که ساکن شهر مقدس مشهد است.



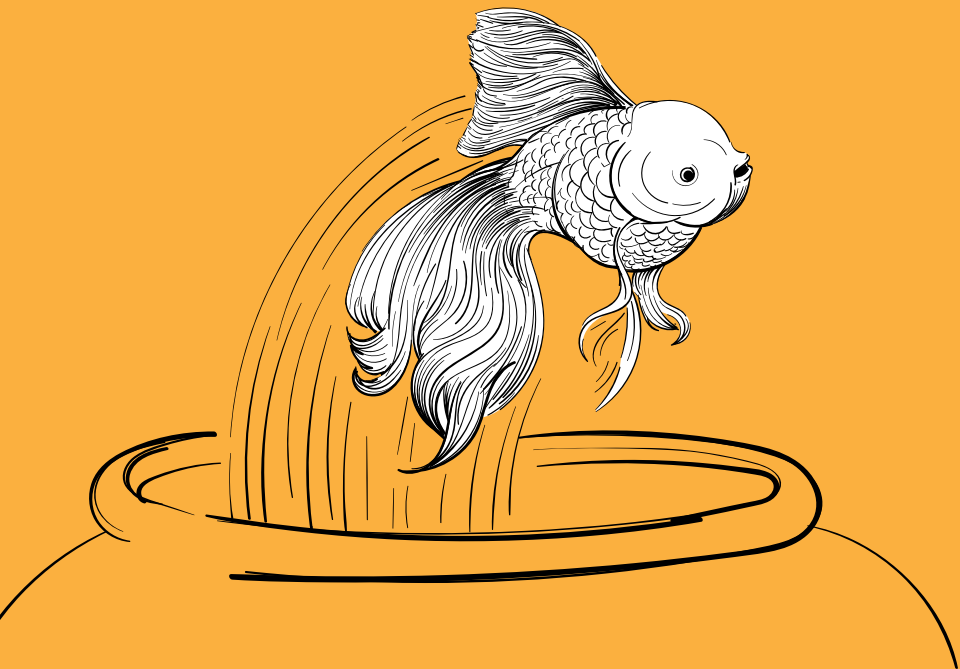
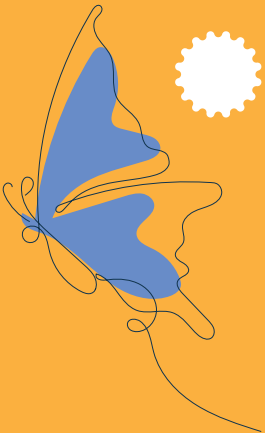
ماجرای من و بهار

در ماه آخر زمستان هر سال، هر جا که باشم به دنبال نشانه‌هایی از آمدن بهار می‌گردم و ذوق می‌کنم وقتی که می‌بینم کارگران شهرداری دارند گل‌هایی می‌کارند که نوید آمدن سال نورا می‌دهند. ذوق می‌کنم وقتی در ارتفاعات جنوبی مشهد و در مسیر «قله زو» ی عزیز می‌بینم گل‌سنگ‌ها دوباره جان گرفته‌اند، در گرمای اندک آخرین ماه زمستان، و ذوق می‌کنم وقتی می‌بینم وانت‌های آبی قالی‌های بیشتری را در شهر این طرف و آن طرف می‌برند.

گاهی فکر می‌کنم من هنوز همان نوجوان دبیرستانی هستم، یا بهتر بگویم همان کودکی که از آمدن سال نو ذوق می‌کردم و در کنار یکی از بزرگ‌ترها به تنها لباس فروشی زادگاهم یونسی می‌رفتم تا پیراهنی یا شلواری برایم بخرند و من سال نورا با لباس نو آغاز کنم. این سال‌ها و در میانه‌ی عمر اما از دیدن نشانه‌های بهار در شهر شلوغ، فکرم می‌رود به چند روز تعطیلی عید. به این فکر می‌کنم که تعطیلات را دو قسمت کنم، یک قسمت آن با خانواده‌ام برای دیدن قسمتی از زیبایی‌های سرزمینم راهی شرق یا غرب یا جنوب بشوم و قسمت دوم را به زادگاه کویری خودم برگردم؛ به همان جا که با همه‌ی نداشته‌هایش شدیداً دوستش دارم.

من از آن‌هایی هستم که همه‌ی فصل‌ها را دوست دارم، اما بهار و تابستان برای من فرصت بیشتری است برای زندگی کردن. بهار و تابستان را بیشتر دوست دارم، به خاطر روزهایی که طولانی‌ترند و من می‌توانم بعد از ساعت کاری روزنامه‌ام، خودم را به ارتفاعات جنوبی مشهد برسانم، یا جمعه‌ها وقتی برای شنیدن موسیقی مقامی راهی شرق خراسان می‌شوم، نگران نباشم که روز کوتاه است و فرصت کمتری برای دیدار با اساتید موسیقی مقامی و شنیدن موسیقی دارم.

من از آن دست آدم‌هایی هستم که با آمدن هر فصل ذوق می‌کنم، اما با آمدن بهار و تابستان ذوق بیشتری می‌کنم.



از هیئت مدیره چه خبر؟



مهم ترین مصوبات

هیئت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در نیمه اول بهار ۱۴۰۴ چهار جلسه داشت. اینها جلسات ۲۹ تا ۳۲ این دوره از هیئت مدیره بود.



- با درخواست انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک مبنی بر مشارکت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در برنامه فلوشیپ در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران موافقت و سیدعلی کاشفی خوانساری به عنوان نماینده انجمن معرفی شد.
- در پاسخ به نامه‌ی مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران برای همراهی انجمن در فعالیت‌های نمایشگاه کتاب تهران، هیئت مدیره طی نامه‌ای برنامه‌های پیشنهادی خود را اعلام کرد.
- با درخواست عضو انجمن آقای مصطفی ایلخانی زاده برای کمک انجمن در جمع‌آوری کتاب برای کتابخانه‌های روستایی در شهرهای بوکان و میان‌دوآب موافقت شد.
- با حضور نماینده انجمن، شهلا انتظاریان در برنامه انجمن مترجمان ایران و سخنرانی و ارائه تقدیرنامه به عضو انجمن آقای رضی هیرمندی موافقت شد.

- با درخواست انجمن نویسندگان کودک و نوجوان مبنی بر مشارکت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در برنامه فلوشیپ در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران موافقت و سیدعلی کاشفی خوانساری به عنوان نماینده انجمن معرفی شدند.
- در پاسخ به نامه‌ی مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران برای همراهی انجمن در فعالیت‌های نمایشگاه کتاب تهران، هیئت مدیره طی نامه‌ای برنامه‌های پیشنهادی خود را اعلام کرد.
- با درخواست عضو انجمن آقای مصطفی ایلخانی زاده برای کمک انجمن در جمع‌آوری کتاب برای کتابخانه‌های روستایی در شهرهای بوکان و میان‌دوآب موافقت شد.
- با حضور نماینده انجمن، شهلا انتظاریان در برنامه انجمن مترجمان ایران و سخنرانی و ارائه تقدیرنامه به عضو انجمن آقای رضی هیرمندی موافقت شد.
- با درخواست انجمن نویسندگان کودک و نوجوان مبنی بر مشارکت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در برنامه فلوشیپ در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران موافقت و سیدعلی کاشفی خوانساری به عنوان نماینده انجمن معرفی شدند.
- در پاسخ به نامه‌ی مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران برای همراهی انجمن در فعالیت‌های نمایشگاه کتاب تهران، هیئت مدیره طی نامه‌ای برنامه‌های پیشنهادی خود را اعلام کرد.
- با درخواست عضو انجمن آقای مصطفی ایلخانی زاده برای کمک انجمن در جمع‌آوری کتاب برای کتابخانه‌های روستایی در شهرهای بوکان و میان‌دوآب موافقت شد.
- با حضور نماینده انجمن، شهلا انتظاریان در برنامه انجمن مترجمان ایران و سخنرانی و ارائه تقدیرنامه به عضو انجمن آقای رضی هیرمندی موافقت شد.
- با درخواست انجمن نویسندگان کودک و نوجوان مبنی بر مشارکت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در برنامه فلوشیپ در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران موافقت و سیدعلی کاشفی خوانساری به عنوان نماینده انجمن معرفی شدند.

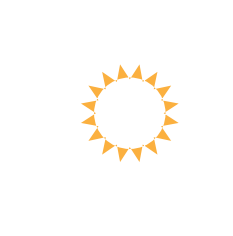
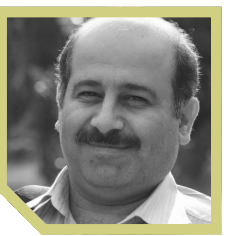
شرح جلسات

- در اکثر جلسات گزارش پیگیری مسائل ساختمان انجمن با شهرداری، دادگستری و... از سوی آقای یحیی پور ارائه شد.
- اعضای هیئت مدیره از اعضای انجمن مجتبی رحماندوست و مرئضی خاکسار بختیاری که در بیمارستان بستری بودند، تلفنی احوالپرسی کردند.
- انجمن بابت فوت برادر مصطفی خرامان و فاطمه خرامان به این دو عضو انجمن تسلیت گفت.



اعضای هیات مدیره را می‌شناسید؟

در بهار ۱۴۰۴ انجمن نویسندگان کودک و نوجوان زیر نظر چهاردهمین هیئت مدیره خود اداره می‌شد. در این فصل ریاست هیئت مدیره به عهده فریدون عموزاده خلیلی بود و مناف یحیی پور نائب رئیس، افسون امینی دبیر و شهلا انتظاریان خزانه‌دار انجمن بودند. سایر اعضای اصلی هیئت مدیره عبارت بودند از: حمیدرضا شاه‌آبادی، سیدعلی کاشفی خوانساری و سولماز خواجه‌وند، اعضاء علی البدل

				
مهناز باقری	شهلا انتظاریان	افسون امینی	اسماعیل امینی	ابراهیم اباذری
				
نسترن فتحی	فریدون عموزاده خلیلی	حمیدرضا شاه‌آبادی	فرزانه رحمانی	سولماز خواجه‌وند
				
معصومه یزدانی	مناف یحیی پور	فرمهر منجری	سیدعلی کاشفی خوانساری	



طرح: برگرفته از صفحه‌ی جمال رحمتی

اعلام همدردی

- انجمن بابت حادثه آتش‌سوزی بزرگ در بندرعباس این پیام را صادر کرد:
- پشتمان خم، چشممان خون، قلبمان خاکستراست.
- در عزای و محنت هم‌وطنان عزیزمان غم‌آشپانه‌ی ماست
- انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به مردم صبور و مهربان بندرعباس تسلیت می‌گوید و در این حادثه‌ی بزرگ، با آنان همراه و در غمشان شریک است.

به نام پروردگار کودکی

همه مدیون معلمانند نه برعکس!

**بیانیه‌ی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان
درباره‌ی سخنان وزیر و تفاهم‌نامه‌ی آموزش و
پرورش با نیروی انتظامی**

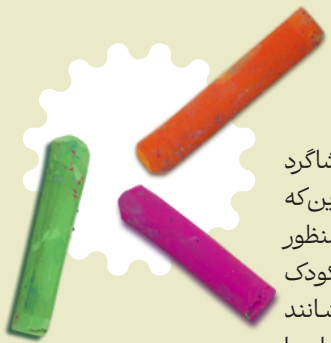
نعل وارونه زدن برخی مدیران گویی پایان ندارد و هر دم از این باغ بری می‌رسد. در زمانه‌ای که جمعی از عقلای قوم، کم‌وبیش واقعیت‌های جامعه و دنیای امروز را درک می‌کنند و مانع ابلاغ قانون موسوم به «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» شده‌اند، وزیر محترم آموزش و پرورش مقام فرهنگی معلم را پیش پای سهرنگی می‌گذارد و با افتخار از فرمانده کل نیروی انتظامی می‌خواهد او را سرباز خود بداند.

بی‌تردید مردم قدردان تلاش و کوشش شبانه‌روزی پلیس‌ها و نیروهای مسلح دلسوز و مردمی هستند، اما همیشه، بزرگان در هر صنف و با هر تخصصی، خود را مدیون معلمان می‌دانند و به شاگردی معلمان افتخار می‌کنند. معمولاً فارغ از شخص، وزیر نماد این وزارتخانه و نماد معلمی به‌شمار می‌آید و متأسفانه این روزها جمله‌ی بی‌ربط و سبک وزیر همه‌جا پخش شده، بی‌آنکه شاهد کمترین اظهار تأسف یا عذرخواهی از سوی وزیر یا روابط‌عمومی وزارت آموزش و پرورش باشیم و بی‌آنکه سردار فرمانده، مراتب ادب را به‌جای آورد که هر فرمانده و متخصصی باید به شاگردی معلمان باتجربه و دلسوز افتخار کند و بداند به هر مرتبه‌ای که برسد هیچ‌گاه نباید خود و جایگاه خود را بالاتر از مقام پیامبرانه‌ی معلمان بینگارد.

حتی اگر بخواهیم از آن سخن نسنجیده هم بگذریم، متأسفانه متن کلی و مبهم تفاهم‌نامه بر همان مبنا نوشته شده و همان مضمون را به‌شکلی دیگر در خود دارد. متنی که از یک‌سو تلاش می‌کند انجام وظایف قانونی و شناخته‌شده‌ی نیروی انتظامی در برقراری نظم و امنیت در محیط پیرامون مدارس و جمع‌آوری معتادان متجاهر و خرده‌فروشان مواد مخدر و... را به نام تعهد این نیرو به وزارت آموزش و پرورش جاببندازد و از سوی دیگر این وزارتخانه متعهد می‌شود در اجرای وظایف قانونی پلیس همکاری کند و تقریباً همه‌ی ظرفیت‌ها و فرصت‌های آموزشی، تربیتی، ورزشی و بهداشتی وزارتخانه و سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آن را در اختیار این نیرو بگذارد. نعل وارونه زدن این جاست که به نام مراقبت از سلامت و امنیت فرهنگی، روانی و

اجتماعی کودکان و نوجوانان، جای شاگرد و معلم را تغییر داده‌اند و به‌جای این‌که شماری از پلیس‌های دلسوز را به منظور تشکیل پلیس تخصصی حوزه‌ی کودک و نوجوان، سرکلاس معلمان بنشانند تا راه و رسم رفتار با کودک و نوجوان را از معلمان باتجربه و دانشمند بیاموزند، می‌خواهند معلمان را به‌عنوان شاگرد درکلاس پلیس بنشانند. این مگر غیر از فروکاستن بیش از پیش شأن مدرسه و نظام تعلیم و تربیتی است؟ روندی که قبل‌تر با فروکاستن شأن معلم واتخاذ روند گزینش سیاسی ایدئولوژیک به‌جای گزینش علمی- تخصصی و آزمودن سلامت و صلاحیت روانی و تربیتی معلمان آغاز شده و آموزش و پرورش را از مسیر درست خود دور کرده بود.

اگر همکاری نیروی انتظامی در آموزش معلمان، کادر اداری، دانش‌آموزان و خانواده‌ها با استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و بخوانید فضاها و امکانات آموزش و پرورش پهن کردن فرش قرمز برای حضور پلیس در مدارس و پلیسی‌کردن فضای مدارس نیست، پس چه نامی بر آن می‌توان نهاد؟ برای مراقبت از سلامت روانی و فرهنگی دانش‌آموزان چرا باید آنان را به مراکز پلیس برد؟ در آن‌جا قرار است دانش‌آموزان شاهد چه صحنه‌هایی باشند و چه آموزش‌هایی ببینند که معلمان آموزش‌دیده از آن ناتوان تصور می‌شوند؟ آقای وزیر در حالی دارد ظرفیت‌ها و فرصت‌های گوناگون وزارتخانه و مراکز مرتبط را در دسترس پلیس می‌گذارد که سال‌هاست در مدارس، جز به ندرت و در موارد خاص، به روی نزدیک‌ترین و متخصص‌ترین گروه به کار تعلیم و تربیت، یعنی داستان‌نویسان، شاعران و دیگر هنرمندان و پدیدآوردگان آثار ویژه‌ی مخاطبان کودک و نوجوان بسته مانده است. این گروه با آموزش غیررسمی و تولیدات جذاب خود می‌توانند در تکمیل فرآیند تعلیم و تربیت نقش آفرین باشند، آموزش را برای کودکان لذت‌بخش کنند، به شکل‌گیری هویت ملی و دینی و شکوفایی استعدادها و خلاقیات آن‌ها کمک کنند و بر تأمین سلامت فرهنگی، روانی و اجتماعی فرزندان ایران عزیز تأثیر بگذارند.



البته تشکلهای مرتبط و متخصصان دلسوز، به اشکال‌های حقوقی و ابهام‌های فراوان و پیامدهای نامناسب این تفاهم‌نامه چندان پرداخته‌اند که به تکرار گفته‌ها نیازی نیست. از کودکی جمله‌ی مشهور منسوب به امیرمؤمنان را به ما آموختند که «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» (هرکس کلمه‌ای به من آموخت، مرا بنده‌ی خود کرده است) و امروزه به یمن اینترنت، عکس و ویدئوهای قدردانی و فروتنی رؤسای جمهور، صدراعظم‌ها، وزیران، امرای نظامی، مشاهیر و صاحبان ثروت و مکتت بسیاری از کشورها و از جمله ایران عزیز در برابر معلمان مدرسه‌ی خود و بوسه‌زدن آنان را بر دستان معلمانشان می‌توان دید که به نوعی مصداق عمل کردن به آن جمله‌ی ارزشمند است و ما با این سخنان و این روند، از مضمون و مصداق آن دور می‌شویم. امروزه در کشور ما نیز همه‌ی صاحبان قدرت و مکتت و شهرت از وزیران و مدیران دولتی و رؤسای قوا تا فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و...، همگی باید در برابر معلم فروتنانه زانوی ادب بزنند، باشد که قدری شأن و منزلت معلم حفظ و احیا شود.

متأسفانه وزیر محترم آموزش و پرورش پیش از این نیز نشان داده گوش شنوایی برای شنیدن صدای دلسوزان و متخصصان ندارد و گویی خود را بی‌نیاز از دریافت و توجه به نظر کارشناسان و تشکلهای تخصصی می‌داند. ولی انتظار داریم آقای پزشک‌یان؛ رئیس‌جمهور محترم جمله‌ی منسوب به امیرمؤمنان را از یاد نبرده باشد تا در تصحیح سخن و تصمیم‌گیری برآید، قدر و منزلت معلمی را دریابد و نگذارد وزیر و وزارت آموزش و پرورش به سربازان منتظر دستور فرماندهان نیروی انتظامی تبدیل شوند که فاجعه‌ای عظیم در پی خواهد داشت. علاوه بر این، لازم است آقای پزشک‌یان و دولت‌ش، به حساسیت و اهمیت تجربه و تخصص در مواجهه با امور مربوط به تعلیم و تربیت و رفتار با کودکان و نوجوانان، به‌ویژه در این روزگار توجه کنند و نگذارند رفتار پلیسی، که در حد و جای خود شاید مناسب و لازم باشد، جای رفتار معلمانانه را بگیرد.

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

قدم نورسیده مبارک



دکتر فریده اکبری

به روال هر ساله، سال ۱۴۰۳ هم تعدادی دوست خوب، هنرمند و اهل قلم به انجمن پیوستند. بیایید کمی بیشتر با این دوستان آشنا شویم.

اعضای جدید در سال ۱۴۰۳

مونا خرسندی، الناز رستم زاده، مهین دخت حسنی زاده، ندا عابد، سمیرا آرامی، محبوبه دشتی، منیژه ملکی، زینب محمدی، آرش بابایی، مجید مسعودی، مهدی بنواری، سمیه حیدری، مریم اسماعیلیون، نسرین اسدی، رامونا میرحاجیان، معصومه ازده‌فر، مهرنوش پیرحیاتی.



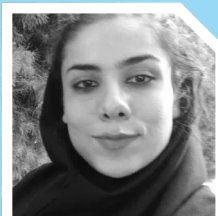
مهشید ازده‌فر

خانم ازده‌فر متولد اردیبهشت ماه هزار و سیصد و پنجاه و دو در اطراف کرج بوده و امروز در تهران زندگی می‌کند. با اینکه رشته گرافیک خوانده، اما سراغ علایقش رفته و سال‌های زیادی را در حوزه دوبله، کار گویندگی کرده است. عاشق هنر است و دستی هم در قلم دارد و مجموع داستان‌هایی از قبیل خالخال و پشولی و دایی ازدها را چاپ کرده است.



نسرین اسدی

متولد ۱۲ شهریور ۱۳۵۷، متولد شهری هستند و در حال حاضر در تهران گذران زندگی می‌کنند. نویسنده، ویراستار و مدرس ادبیات داستانی. لیسانس زبان و ادبیات فارسی و فوق لیسانس ادبیات. کتاب‌های زیادی برای حوزه کودک و نوجوان همچون دخترک و کوزه و درخت ثریا نوشته است.



مهرنوش پیرحیاتی

خانم پیرحیاتی متولد ۱۳۷۰ در شهر اهواز هستند. در حال حاضر تهران زندگی می‌کنند و بسیار با انرژی در عرصه کتاب و کودک فعال هستند. فارغ التحصیل در دو رشته مهندسی نفت و مترجمی زبان و تحصیلات تکمیلی در رشته زبان. علایق و باورهایش به کودکان موجب شده تا در این زمینه چند کتاب برای کودک و نوجوان ترجمه نماید.



مهین دخت حسنی زاده

متولد بیست آبان هزار و سیصد و چهل و چهار. متولد شهر ساری و امروزه گاهی در ساری و گاهی تهران روزها را می‌گذرانند. کارشناس تولید از دانشکده صدا و سیما. کتاب‌هایی برای بزرگسالان و کودکان نوشته که از آن جمله می‌توان به تنگه سیاه‌گرگ اشاره کرد. این کتاب برنده جایزه رشد شده و همچنین کتاب چشم‌های فسری که کاندید جایزه قلم زرین شد.



سمیه حیدری

خانم حیدری متولد سال شصت هستند و در تهران متولد شده و همانجا زندگی می‌کنند. سال‌های زیادی در انتشارات مشغول بوده و تحصیلات در رشته زبان و ادبیات فارسی و فلسفه داشته است. کارهایی وابسته به ترجمه، ویرایش و تولید محتوا برای کودک را بر عهده دارد. او تاکنون حدود چهل کتاب برای کودک و نوجوان ترجمه کرده است.



الناز رستمزاده

با تحصیل در رشته ریاضیات، اهل شهر زیبای اردبیل و علاقه‌مند به هنر و کودک می‌باشد. عضو رسمی شورای کتاب کودک و انجمن مترجمین تهران. بیش از ده سال است در حوزه کتاب کودک فعالیت می‌نماید و در این سال‌ها شش کتاب برای کودکان چاپ کرده است.



زینب محمدی میزوجی

خانم محمدی متولد قزوین هستند و در همان شهر هم زندگی می‌کنند. فوق لیسانس ادبیات دارند و تاکنون پنج تا کتاب در حوزه کودک و نوجوان نوشته‌اند، ملکه مالیکا و خروپف‌های بابا دو تا از کتاب‌های ایشان هستند.



منیژه ملکی ریزی

متولد سال ۱۳۴۶ در شهر اصفهان هستند و امروز هم در زرین شهر اصفهان زندگی می‌کنند. لیسانس علوم تربیتی خوانده‌اند و در کنار کار معلمی، همواره با هفته‌نامه امرداد همکاری می‌کرده‌اند. اهل شعر و شاعری بخصوص شاهنامه‌خوانی هستند. از ۱۳۸۰ به‌طور جدی پا به عرصه کتاب گذاشته و تاکنون چندین کتاب داستان، شعر و تاریخی چاپ نموده است.



رامونا میرحاجیان

متولد ۱۳۶۳ در شهر مشهد و ساکن این شهر هستند. تحصیلاتشان را از لیسانس مدیریت شروع کرده و تا دکترای مدیریت ادامه داده‌اند. همواره در پژوهش‌های ادبی گام برداشته و چندین کتاب را بررسی و نقد نموده‌اند. بیشتر از ده سال در زمینه فرهنگ و تدریس مشغول بوده‌اند و در کنار تدریس چند کتاب مثل آش آرزوهای خریزک و چندین داستان کوتاه منتشر کرده‌اند.

نشست‌های علمی در یک نگاه

ژاله معینی

انجمن در سال ۱۴۰۳ چهار نشست تخصصی به دبیری دکتر مرجان فولادوند برگزار کرد. عناوین نشست‌های دوازدهم تا پانزدهم انجمن عبارت بودند از: «شعر نوجوان از منظر مخاطب و جایگاه امروز آن» با حضور دکتر افسون امینی و دکتر حسین تولایی، «ترویج کتاب کودک، شیوه‌ها و تجربه‌ها» (به همراه نمایشگاهی از آثار تجسمی از ادبیات کودک) با حضور لیلا کفاش‌زاده، «صلح، کودک و ادبیات در جهان آشوب‌ناک» با حضور دکتر زهرا جوراب‌چی و دکتر مهتاب حاجی‌محمدی و «دشواری هم‌نشینی امر خلاق میان نویسنده و تصویرگر» با حضور حدیث لزرغلامی، کیانوش غریب‌پور و سحر ترهنده.



۱۴

صلح، کودک و ادبیات در جهان آشوب‌ناک

دکتر زهرا جوراب‌چی

نویسنده‌ی کودک و نوجوان

«مفهوم صلح برای کودکان متفاوت از بزرگسالان است. کودکان فکر می‌کنند هر کجا جنگ نباشد، صلح است؛ اما همانطور که می‌دانیم در جهان بزرگ‌سالی صلح مفهوم بسیار گسترده‌تری دارد.»

دکتر مهتاب حاجی‌محمدی

فعال حقوق کودک

معرفی گروه صلح و کودک در انجمن علمی مطالعات صلح ایران

نادر موسوی

مروج کتاب‌خوانی

معرفی مدرسه‌ی خودگردان فرهنگ ویژه‌ی کودکان افغانستانی در ایران



دبیر نشست | معصومه یزدانی

۱۲

شعر نوجوان از منظر مخاطب و جایگاه امروز آن

دکتر افسون امینی

شعر نوجوان، سرگردانی میان متن و مخاطب

«حرف زدن در مورد شعر نوجوان، بی‌نیاز از صحبت کردن درباره‌ی شعر کودک نیست؛ به ویژه که منابع ما در حوزه‌ی شعر نوجوان بسیار اندک است.»

دکتر حسین تولایی

واکاوی جهان در تجربه؛ سروده‌های نوجوانان

«روند روبه رشد شعر نوجوان از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۹۰ سیر نزولی به خود گرفت؛ به گونه‌ای که شعر نوجوان هنوز به نام‌های شاعران پیشکسوت و شاعران اواخر دهه‌ی هفتاد و هشتاد به راه خود ادامه می‌دهد.»



دبیر نشست | انسیه موسویان

۱۵

دشواری هم‌نشینی امر خلاق میان نویسنده و تصویرگر

کیانوش غریب‌پور

تصویرگر و مدیر هنری

«مفهومی که در ذهن ما شکل می‌گیرد، ترکیبی از بو، رنگ، صدا و نقش‌ونگار است. وقتی این مفهوم را به زبان تصویر درمی‌آوریم، بی‌شک برخی از ویژگی‌هایش در این مسیر گم می‌شود. این همان جایی‌ست که اختلاف نظر میان نویسنده و تصویرگر شروع می‌شود.»

سحر ترهنده

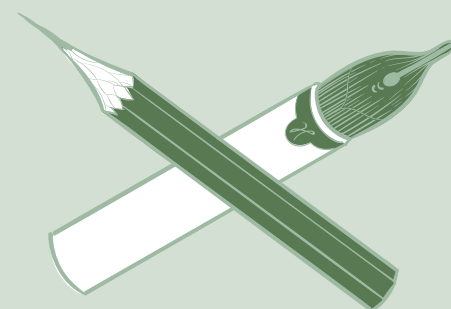
کارشناس متن و تصویر، مدیر نشر

«برخی تصور می‌کنند هر کتابی که در آن متن و تصویر در کنار هم آمده کتاب مصور است، اما این صحیح نیست و ما معیارهایی داریم که کتاب تصویری را از سایر گونه‌ها جدا می‌کند.»

حدیث لزرغلامی

نویسنده و شاعر

«اینکه به تازگی نویسنده‌ها بیشتر به دنبال نوشتن کتاب‌هایی با تعداد کلمات کم هستند، از اینجا می‌آید که تعداد زیادی از نویسندگان کودک و نوجوان جذب دنیای انیمیشن شده‌اند و انیمیشن چنین چیزی را می‌طلبد. در واقع نویسنده‌ها دنبال راهی برای ارتباط با تصویرگر گشتند و شروع کردند به نوشتن شرح تصویر برای داستان‌هایشان. از اینجا برای تصویرگرها دافعه ایجاد شد.»



دبیر نشست | دکتر افسون امینی

۱۳

ترویج کتاب کودک، شیوه‌ها و تجربه‌ها

لیلا کفاش‌زاده

قصه‌گو و پژوهشگر داستان

«ترویج یعنی انتشار و روان‌سازی کتاب‌ها؛ به عبارتی، مروج کتاب کمک می‌کند تا کتاب‌ها به راحتی دست مخاطبان برسند. ترویج کتاب، پدیده‌ای نوپا است که در چند دهه اخیر رشد چشمگیری داشته و در برخی کشورها به عنوان یک سیاست کلان در دستور کار دولت‌ها و نهادهای بزرگ قرار گرفته است. اما ترویج کتاب فقط در سطح کلان نیست؛ در سطح خرد نیز به خانواده‌ها و مؤسسات فرهنگی کوچک‌تر مربوط می‌شود.»



آموزش در فصل بهار



انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار می کند:

کارگاه اتاق تجربه و خلق رمان گرافیکی

مدرس: فریدون عموزاده خلیلی

چهارشنبه ها ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰
۱۰ جلسه - آنلاین

مهلت ثبت نام: ۲۰ اردیبهشت

جهت ثبت نام یا کسب اطلاعات بیشتر می توانید روزهای شنبه، یکشنبه و سه شنبه از ساعت ۹ الی ۱۶ با شماره ۰۲۱۸۸۳۱۷۷۵۵ تماس بگیرید و یا به شماره ۰۹۹۲۰۵۰۰۷۸۵ در تلگرام یا واتساپ پیام دهید.

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

کارگاه های ترم بهار ۱۴۰۳
انجمن نویسندگان کودک و نوجوان:
۰۲۱۸۸۳۱۷۷۵۵
۰۹۹۲۰۵۰۰۷۸۵

۱. احمد اکبریور- داستان طنز
۲. دکتر اسماعیل امینی- وزن شعر
۳. محمد جواد جزینی- داستان مینی مالیستی
۴. عباس جهانگیریان- فیلم نامه نویسی
۵. مصطفی رحمان دوست- شعر کودک
۶. فرزانه رحمانی- تسهیلگری
۷. حمیدرضا شاه آبادی- رمان تاریخی
۸. فریدون عموزاده خلیلی- خلق داستان
۹. فریدون عموزاده خلیلی- رمان گرافیکی
۱۰. دکتر مرجان فولادوند- کارکردهای اسطوره
۱۱. رضا فیاضی- نمایشنامه نویسی
۱۲. سید علی کاشفی خوانساری- نقد کاربردی
۱۳. سیامک گلشیری- ژانر وحشت
۱۴. حدیث لرزغلامی- ساجده عرب سرخی- هوش مصنوعی



مدرسان چه می گویند؟

دکتر اسماعیل امینی

«اگر بخشی از فعالیت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بر امور صنفی متمرکز است، طراحی دقیق و کار علمی برای فعالیت کارگاه ها بسیار مهم است و انتقال سریع تجربه در حوزه های مهارتی نوشتن و سرودن و تحلیل متن یا نقد ادبی می تواند به نویسندگان بسیار کمک کند. مهم ترین برتری این دوره ها در نکاتی است که گفته می شود و در نظام درسی رسمی و دانشگاهی وجود ندارد. کاش این دوره های آموزشی ثبت و جمع بندی شود تا به عنوان گنجینه ای علمی برای آینده و سایر افراد در دسترس باشد.»

سید علی کاشفی خوانساری

«کاربردی بودن موضوعات برای اهالی ادبیات کودک و چرخه نشر کتاب کودک مهمترین مشخصه برای انتخاب عنوان کلاس ها باید باشد. برای همین به گمان من امروز دوره های مرتبط با ترویج، نقد و معرفی و تعاملات مجازی و اجتماعی در اولویت است. اعضای انجمن توانایی های فراوان و متنوعی دارند و باید بتوانیم هرچه بیشتر از ایشان در برپایی کلاس ها استفاده کنیم.»

تحولات بهاری

دبیرخانه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در بهار سال ۱۴۰۴ چندین کارگاه آموزشی برگزار کرد. اکثر این کارگاه ها در حوزه ادبیات کودک و نوجوان بود. برگزاری این کارگاه ها برای انجمن از جنبه های مختلف جایگاه ویژه و اهمیت فراوانی دارد. از مزایای برگزاری این کارگاه ها و دوره های آموزشی می توان به انتقال تجربه و تمرکز بر دانش نظری ادبیات کودک و نوجوان اشاره کرد که تکمیل کننده ی کار حرفه ای نویسندگان است.

در پاییز و زمستان ۱۴۰۳ مجموعاً ۱۱ کارگاه برپا شده بود اما در بهار سال ۱۴۰۴ تعداد و تنوع و تخصصی بودن کارگاه ها بیشتر شد. تفاوت دیگر در پوسته های تبلیغاتی کارگاه ها رخ داد و سعی شد نسبت به شکلی خلاقانه تر به معرفی و رزومه کاری مدرسان پرداخته شود. در فصل بهار همه این دوره ها آنلاین بود و امکان بهره مندی علاقه مندان از سراسر کشور و حتی خارج از کشور را فراهم کرد. در پایان هم به شرکت کنندگانی که در دوره حضور فعال داشتند، گواهی معتبر با امضای رئیس انجمن یا مدرس دوره اعطا شد.

کارگاه های آموزشی بهار

- ◀ سرودن شعر کودک (مصطفی رحمان دوست)
- ◀ فیلم نامه نویسی (عباس جهانگیریان)
- ◀ نگارش داستان طنز (احمد اکبریور)
- ◀ نگارش داستان مینی مالیستی (محمد جواد جزینی)
- ◀ نگارش رمان تاریخی (مقدماتی) (حمیدرضا شاه آبادی)
- ◀ اتاق تجربه و خلق رمان گرافیکی (فریدون عموزاده خلیلی)
- ◀ مرور نویسی و نقد کاربردی کتاب (سید علی کاشفی خوانساری)
- ◀ داستان نویسی (اتاق تجربه و خلق / مقدماتی) (فریدون عموزاده خلیلی)
- ◀ وزن و موسیقی شعر (دکتر اسماعیل امینی)
- ◀ نمایش نامه نویسی (رضا فیاضی)
- ◀ تربیت مربی و تسهیلگر کودک (فرزانه رحمانی)
- ◀ نگارش داستان کوتاه و رمان با موضوع ژانر وحشت (سیامک گلشیری)
- ◀ هوش مصنوعی و نوشتن برای کودکان (حدیث لرزغلامی / ساجده عرب سرخی)
- ◀ آشنایی با مبانی اسطوره در داستان نویسی معاصر (دکتر مرجان فولادوند)
- برپایی برخی از این کارگاه ها به ترم بعد موکول شد

سالی که گذشت

- ◀ دوره های پاییز ۱۴۰۳: اتاق تجربه ی داستان نویسی، وزن شعر، رمان تاریخی، ویرایش، رمان گرافیکی
- ◀ دوره های زمستان ۱۴۰۳: اتاق تجربه ی داستان نویسی، رمان تاریخی، رمان گرافیکی، بلاگری کتاب



پیام روز جهانی کتاب کودک

طاهره ایید از نویسندگان پیشکسوت کودک و نوجوان، پیام خود را که به مناسبت فرارسیدن سال نو و روز جهانی کتاب کودک نوشته بود، قرائت کرد. عنوان این پیام جیغ‌های خاموش بود.

جیغ‌های خاموش

کودکان با جیغ به دنیا می‌آیند؛ جیغ، نخستین صدای زندگی است، اولین اعلام حضور در جهان. اما اگر کودکی از فریاد زدن محروم شود، اگر فریادش در گلو خفه شود، چه اتفاقی می‌افتد؟

من بچه‌ای بی جیغ بودم؛ نمی‌توانستم فریاد بزنم؛ نه از ترس، نه از درد، نه از شادی، نه هیجان، نه حتی برای هشدار دادن در کودکی، حق فریاد زدن از ما گرفته شد. وقتی تیغ‌ریزه‌های جیغ، راهی به بیرون پیدا نکند، در گلو فرو می‌رود، صدا را می‌سوزاند. آدم را خاموش می‌کند، و من دلم می‌خواست راهی، جایی برای بیرون ریختنشان پیدا شود.

نمی‌دانم چندساله بودم که صدای فریادهای خفه‌شده‌ام را میان واژه‌های قصه‌ها شنیدم. از آن زمان، هر بار کتابی می‌خواندم، فریادهایم سر

باز می‌کرد و من رها می‌شدم. وقتی داستان آلیس در سرزمین عجایب را از رادیو شنیدم، خازرار اطرافم باغی شد پرماجرا و پرهیاهو. من، آلیسی شدم که باید کوچک و بزرگ می‌شد تا شرایط را تغییر بدهد. از آن پس، بارها از خانه‌ی بی‌صداگریختم و به دنیای پرصدا و پررنگ داستان‌ها پناه بردم. تجربه‌ی زیسته‌ی نویسندگان را زیستم، در قالب شخصیت‌ها فریاد زدم، و از سکوتِ درماندگی، به باورِ تغییر، به صدای خودم رسیدم.

کتاب‌های کودک پر از فریادند؛ فریادهایی از جنس هیجان، شادی، ترس، خشم، هشدار، اعتراض.

آن‌ها به کودکان حق می‌دهند احساس کنند، بترسند، بخندند، انتقاد و اعتراض کنند؛ همان‌طور که جوجه اردک زشت، لباس جدید امپراتور، شازده کوچولو، ماتیلدا و هزاران داستان دیگر که نویسندگان‌شان با احترام به حقوق کودک نوشته‌اند.

واژه‌های کتاب‌های کودک، فقط واژه نیستند؛ کلیدهایی‌اند که قفل پناهگاه تخیل را باز می‌کنند تا کودکان، در جهانی موازی، زندگی دیگری را تجربه کنند، لذت ببرند و به درک عمیق‌تر و گسترده‌تر از زندگی برسند. جهانی که بذر لطیف دوست داشتن خود، دوست داشتن دیگری و تمام موجودات هستی در آن کاشته می‌شود. جهانی که بچه‌ها در آن، صدا دارند و صدایشان شنیده می‌شود، و زندگی شاد، در آن ممکن.

در جهانی که حق زیست شادمانه از بسیاری از کودکان و نوجوانان گرفته شده، و به فریادهای اعتراض با خشونت و گلوله پاسخ داده می‌شود، کتاب‌ها، فریادهایی از جنس واژه‌اند که در برابر فراموشی می‌ایستند، خاموش نمی‌شوند، حتی اگر دهان‌ها بسته بمانند.

و ما، که زندگی را همین حوالی می‌خواهیم،

برای شادی کودکان، برای ترس هاشان، برای خشم‌ها و اعتراض هاشان قلم می‌زنیم تا بچه‌ها زیبایی زندگی را در زیستی همدلانه بیابند و «نجات‌دهنده را در آینه» ببینند به امید روزی که صدای خنده‌ی کودکان، بلندتر از هر فریادی شنیده شود.



خوش‌آمدگویی میزبان

در این دیدار صمیمی، ابتدا مناف یحیی پور، نایب رئیس انجمن، ضمن ابلاغ سلام و پیام تبریک فریدون عموزاده خلیلی، رئیس هیئت مدیره، که به دلیل بیماری امکان حضور در مجمع را نداشت سال نو را به اعضای انجمن تبریک گفت و از تعدادی از اعضای انجمن که در سال گذشته در برگزاری برنامه‌ها مشارکت و همکاری داشتند، تقدیر و تشکر کرد.

از چه کسانی تقدیر شد؟

سولماز خواجه‌وند برای مسئولیت دبیری انجمن

مهناز باقری برای مسئولیت دبیرخانه

نیلوفر نیک‌بنیاد برای اطلاع‌رسانی و رسانه‌های انجمن

سمیرا قیومی برای کمیته‌ی آموزش

مجید راستی برای برگزاری جلسه‌های داستان

دکتر مرجان فولادوند برای برگزاری نشست‌های علمی

سید علی کاشفی خوانساری برای برگزاری جلسه‌های نقد و پژوهش

علی اصغر سیدآبادی برای جلسه‌های گفتگو برای یادگیری

زهرا سعادت و همسر ایشان برای حمایت مالی از انجمن



اعضای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان گردهم آمدند

دیدار نوروزی

عصر پنجشنبه، ۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۴، دیدار نوروزی اعضای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و مراسم انجمن به مناسبت روز جهانی کتاب کودک، با حضور بیش از صد نفر از اعضای این تشکل غیردولتی در فضایی صمیمانه در ساختمان انجمن برگزار شد.

سیده عاطفه حسینی

جشن تولد کتاب‌ها

نگاهی به رویداد
«فصل نو، کتاب نو»
در انجمن نویسندگان کودک
معصومه یزدانی



ما چرا چیست؟

فصل نو، کتاب نو یک دوره‌ی صمیمانه و بی‌تکلف است که برپایی آن از سال ۱۴۰۱ در انجمن آغاز شده است.

بهانه‌ای برای باخبر شدن از کتاب‌های تازه متولد شده و البته از احوال نویسندگانشان. فرقی هم نمی‌کند این کتاب‌ها ترجمه باشند یا تالیف، داستان‌هایی برای مخاطبان خردسال باشند یا مجموعه مقالاتی برای خواندن علاقه‌مندان به پژوهش درباره‌ی ادبیات کودک. مهم این است که خط و ربطشان ادبیات کودک باشد و شرایط اعلام شده در فراخوان را هم داشته باشند.

در این برنامه کتاب‌های تازه اعضا در هر فصل با حضور خودشان و یک منتقد و کارشناس معرفی و بررسی می‌شوند.

کدام کتاب‌ها پذیرفته می‌شود؟

- ◀ چاپ اول باشد.
- ◀ اعلام وصول شده باشد.
- ◀ در بازه زمانی اعلام شده در فراخوان به انجمن ارسال شده باشد
- ◀ یک نسخه از کتاب به دبیرخانه انجمن رسیده باشد.

پیشینه

در ۶ دوره‌ی رویداد فصل نو، کتاب نو، تعداد ۸۳ اثر رونمایی و معرفی شده‌اند که چون مجالی برای صحبت درباره‌ی همه‌ی آن‌ها نیست، برای آشنایی بیشتر با این رویداد فهرست کتاب‌های رویداد پنجم را می‌آوریم و مختصری به نحوه‌ی برگزاری رویداد ششم و معرفی آثار حاضر در آن می‌پردازیم.

کارشناس	اثر	نویسنده / مترجم
آقای دکتر کرمانی	ارکان ادبیات کودک	مهدی حجوانی
خانم یزدانی	تخم مرغ چینی	معصومه نوازی
آقای اکبرلو	خونخواهی سیاوش	منوچهر اکبرلو
خانم لیلاکفاش زاده	دختران پادشاه و درخت بایوباب	فاطمه سرمشقی
خانم موسویان	خط خطی روی نیمکت سنگی	حسین تولایی
آقای هجری	سردار مریم	سولماز خواجه وند
خانم ایجادی	صدای تاریکی	نیلوفر مالکی
آقای هدایی	عالیجناب رمان	نوری ایجاد
آقای تولایی	فرزندان ریواس	منیژه ملکی ریزی
خانم مالک	فقط یه بار میتونم زنگ بزنم	مرجان ظریفی
خانم جمالی	کتاب م. آزاد	جمیله سنجری
خانم قیومی	ماه پیشو و گلدونه	نسترن فتحی
آقای دکتر شایان محمدی	درآمدی بر مطالعات کودکی	علیرضا کرمانی
آقای حمیدرضا داداشی	من رویا نیستم	نوشین شعبانی
خانم فرزانه رحمانی	نیما یوشیج	حسین تولایی
خانم مالک	والی	مرجان ظریفی
ناشر آقای نیکبخت	هفت دوچرخه سوار	مرجان ظریفی

رویداد ششم

رویداد ششم مثل همه‌ی رویدادهای قبلی، در عصر یک روز پنج شنبه یعنی ۱۱ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۴ برگزار شد. برنامه با اجرای گرم کبری بابایی در سالن طبقه‌ی دوم انجمن، شروع شد و طبق روال همیشگی نویسندگان و مترجمان به همراه کارشناسانی که با دعوت خودشان در مراسم حضور داشتند، به ترتیب الفبا درباره‌ی کتاب‌های نورسیده‌شان صحبت کردند. این رویداد به کتاب‌هایی اختصاص داشت که در پاییز سال ۱۴۰۳ منتشر شده بودند.

۱

اولین کتاب کتاب انفجار در خانه‌ی بابابزرگ بود. نوشته‌ی حمیدرضا داداشی و منتشرشده توسط نشر نسیم. این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌های طنز کودکان با تصویرگری خطی و تک‌رنگ است. آقای داداشی برایمان از پیدا کردن سوژه‌هایشان گفت و درباره‌ی اهمیت نگاه طنز به رویدادهای روزمره صحبت کرد. کتابیون رجبی که ناشر اثر است هم به روند چاپ و انتشار این کتاب اشاره کرد. انفجار در خانه‌ی بابابزرگ یک مهمان ویژه هم داشت. یکی از مخاطبان کودک این کتاب که نظرش را درباره‌ی کتاب اعلام کرد.

۲

کتاب بعدی رمان تابوت سرگردان بود. یکی دیگر از رمان‌های تاریخی حمیدرضا شاه‌آبادی، منتشرشده توسط نشر افق. داستان نوجوانی از دارالفنون که با یک تابوت همسفر است. آقای شاه‌آبادی درباره‌ی اینکه چرا تاریخ را بستر روایت داستان‌هایش قرار می‌دهد صحبت کرد و از انگیزه‌ی درونی نویسندگان برای نوشتن گفت. دکتر افسون امینی، شاعر کودک و نوجوان و ویراستار کتاب هم به دیالوگ‌نویسی‌های خوب کتاب اشاره کرد و از اهمیت نوشتن درباره‌ی عشق نوجوانانه گفت.

۳

سومین اثر، جلد دوم کتاب خواندنی‌های نوباوگان ایران بود. پژوهش سیدعلی کاشفی خوانساری و منتشرشده از سوی نشر جهان کتاب. آقای کاشفی درباره موضوعات و فصل‌های کتاب و پژوهش درباره‌ی مطالب مرتبط با ادبیات کودک در نشریات دوره‌ی پهلوی گفت و ماجرایی مجموعه‌ی خواندنی‌های نوباوگان را برای حاضران تعریف کرد. انسیه موسویان، شاعر کودک و نوجوان، هم با تأکید بر ارزش تاریخی و اطلاعاتی این کتاب، از اهمیت این کتاب در ارتقاء دانش فعالان حوزه‌ی ادبیات کودک گفت.

۴

کتاب چیستی و چرایی میراث فرهنگی برای کودکان تألیف لیلاکفاش زاده و منتشرشده توسط نشر کیوی، به عنوان چهارمین اثر معرفی شد. خانم کفاش زاده که از متخصصان حوزه‌ی میراث فرهنگی و نویسنده‌ی کودک و نوجوان است، ضمن تعریف خاطره‌ی خودش از آمدن به رشته‌ی میراث فرهنگی و ادبیات کودک، به ضرورت آشنایی کودکان با داشته‌های فرهنگی کشور اشاره کرد و یاشار هدایی، نویسنده، پژوهشگر و منتقد ادبیات کودک، هم از نسبت میان ادبیات کودک و میراث فرهنگی، به ویژه در قالب هیچانه‌ها و قصه‌های عامیانه گفت.

۵

آخرین کتاب معرفی‌شده در این دوره، چیک چیکو بود. داستانی تصویری به قلم مرجان ظریفی و منتشرشده از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. چون خانم ظریفی به خاطر سکونت در اهواز امکان حضور در رویداد را نداشت، معصومه یزدانی، نویسنده‌ی کودک و نوجوان، به نیابت از نویسنده اثر را معرفی کرد و از سادگی و صمیمیت روایت، و نگاه انسانی نویسنده در شخصیت‌پردازی داستان برای حاضران گفت.



یک عادت همیشگی

طبق معمول همه‌ی برنامه‌های انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، برنامه‌های فصل نو، کتاب نو با عکس یادگاری دسته‌جمعی و صرف شیرینی و چای تمام می‌شود.



تالار گفت‌وگو



از تعدادی از اعضای انجمن نظرشان را درباره‌ی انتشار مجدد نشریه‌ی داخلی جویا شدیم و از ایشان راهنمایی خواستیم. پاسخ‌های رسیده را بخوانید و شما هم اگر خواستید دیدگاهتان را با خوانندگان نویسنک در میان بگذارید.

چرا سال به سال دریغ از پارسال؟!

حسن احمدی |داستان نویسنک و روزنامه‌نگار

خبر خوبی بود. انتشار نشریه انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان، فعلا داخلی و بعد

سال‌ها پیش وقتی عضو هیئت مدیره انجمن بودم نشریه داخلی انجمن مرتب منتشر می‌شد. یکی از خوبی‌های نشریه انعکاس خبرهای انجمن و اعضاء آن بود. از حال یکدیگر هم با خبر می‌شدیم. بعدها به جمع نشریات مرحوم پیوست؛ مثل ماهنامه ی خوب سروش نوجوان. خیلی از خوابان اهل قلم زمان حال، شعر و داستان و کارهایشان را از آنجا آغاز کردند. هفته‌نامه ی دوچرخه، ماهنامه ی باران که من سردبیر حدود یکصد و پنجاه شماره‌اش بودم. ماهنامه ی دوست نوجوان، سوره نوجوان، چاپ و انتشار مجله‌هایی در سیستان و بلوچستان و....

به نظرم مرگ هر نشریه یعنی مرگ هزاران انسان. آغاز و هر تولد یعنی دوباره زیستن و نفس کشیدن، کشف استعدادهای بسیار، پرورش آنان. چرا سال‌هاست شاهد بال و پر گرفتن تازه‌نفس‌ها نیستیم؟ چرا «قیصر» دیگری



نیست که غصه صدها انسان با استعداد را بخورد که متولد نشده می‌میزند؟ چرا کارهای فرهنگی سر و سامان نمی‌گیرند؟ چرا شاهد کتاب‌های خوب و ماندگار نیستیم؟ چرا سال به سال دریغ از پارسال؟!

امیدوارم انتشار نشریه ی جدید انجمن نویسندگان فقط خبر نباشد. جدی باشد. امید باشد، راه نشان دهد. راهنما باشد. راهنمایی بگیرد. در دوره‌ای متأسفانه نشریه گاهی تا قسمتی رفیق بازی بود، امید که مجدد چنین نشود. خیلی از نویسندگان خوش قلم مدت‌هاست فقط برای دل خودشان می‌نویسند. کاش شرایطی فراهم شود کسی خانه‌نشین نشود. خانه‌نشینی یعنی بیماری، افسردگی، تنهایی، غم و غصه، گرفتار شرایط بد اقتصادی شدن! دوری از همه جا و همه کس. یک نویسنده غیر از نوشتن و دریافت اندک حق‌التالیف مگر درآمدی دارد؟ باید انجمن و بچه‌های خوش به فکر هم باشند. کاش زندگی جریان داشته باشد. سال‌هاست همدیگر را فراموش کرده‌ایم. زندگی جز برای اندکی مطلوب و خوشمزه و دلبخواه نیست! کاش و هزاران کاش....

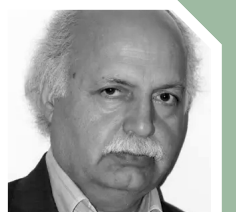
حق دارید تعجب کنید!

محمود برآبادی |داستان نویسنک

تا چند سال پیش که کاغذ فراوان و ارزان بود و بچه‌های انجمن هم سرحال‌تر و با انگیزه‌تر بودند، انجمن خبرنامه‌ای داشت که ابتدا ماه به ماه و بعد فصل به فصل و بعد سال به سال بود و بعد هم دیگر منتشر نشد.

گاهی هم به بهانه نکوداشت پیشکسوتان انجمن و یا مناسبت‌های دیگر ویژه‌نامه‌هایی منتشر می‌شد که دوستان نویسنده و شاعر و منتقد و مترجم یادداشت‌هایی می‌نوشتند اما سال‌هاست که دیگر چیزی جز گزارش مجمع عمومی از سوی انجمن به زیور طبع آراسته نمی‌شود.

دلیل اصلی البته همانطور که گفتم هزینه زیاد چاپ و امکانات مالی اندک انجمن و نبودن دل و دماغ است. اکنون که بار دیگر به همت گروهی از یاران باوفای



مثل روشن کردن چراغی در خانه

شیوا حریری |مترجم و ویراستار

بیش از دو دهه است که در کنار هم مانده‌ایم. ما سال‌های سخت را شانه به شانه‌ی هم داده‌ایم و دوام آورده‌ایم. انجمن عزیز ما خانه‌ی امن ماست. این خانه را نه دیوارهایش که ما اعضای انجمن، با حضور و همراهی ساخته‌ایم.

همین بودن و با هم بودن است که به ما قدرت می‌دهد تا ادامه دهیم. هر قدم، هر برنامه و هر



تولد یک پنجره در جهان تاریک کلمات

زهره مسکنی |نویسنده و روزنامه‌نگار

مگر نه این است که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۷ با هیئت مؤسسی مرکب از ۹ نویسندهٔ حوزهٔ کودک و نوجوان و عضویت گروهی داستان‌نویس، شاعر، مترجم، پژوهشگر، منتقد و روزنامه‌نگار حوزهٔ کتاب، ادبیات و فرهنگ کودک و نوجوان، کار خود را آغاز کرد؟ اکنون، این انجمن یکی از فراگیرترین تشکیلات در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان ایران است.

حالا در نیمهٔ نخست سال ۱۴۰۴، گروهی از همین اهالی دوستدار کودک و نوجوان گرد هم آمدند تا گامی دیگر در گسترهٔ فعالیت‌های انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برداشته شود. گامی که امید می‌رود زمینه‌ساز رشد و تعالی فرهنگی و مادی، ایجاد ارتباط بیشتر با سایر انجمن‌ها و سازمان‌ها و همچنین گسترش روابط میان اعضا و



کورسوی امید از پنجره‌ی انجمن

نیلوفر نیک‌بنیاد / نویسنده

خیلی از ما اعضای انجمن تجربه‌ی روزنامه‌نگاری داریم یا حداقل سابقه‌ی نوشتن یادداشت یا داستانی برای نشریات مختلف را داشته‌ایم اما حالا از آن روزها تنها برایمان خاطراتی باقی مانده که گاهی به یادش لبخند می‌زنیم، یا اشکی می‌ریزیم و می‌گوییم «یادش بخیر!». این روزها که چراغ نشریات یکی پس از دیگری به بهانه‌های مختلف خاموش می‌شود، شنیدن خبر تأسیس یک نشریه‌ی جدید در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، حتی اگر نشریه‌ای داخلی باشد، کورسوی امیدی در دل تاریکی‌هاست و نشان می‌دهد که هنوز دغدغه‌ها زنده‌اند و میل به گفت‌وگو، همدلی و پیشرفت حداقل در دل اهالی ادبیات کودک و نوجوان جریان دارد.

هر یک از ما اعضای انجمن در هر زمینه‌ای که فعال باشیم، چه به عنوان نویسنده، مترجم، پژوهشگر و... دغدغه‌هایی داریم و با چالش‌هایی مواجه هستیم که پاسخ دادن به آنها میسر نیست مگر از طریق وصل شدن به جامعه‌ای بزرگ‌تر

گفت‌وگو تلاشی است برای زنده نگه داشتن این خانه و شاید راز ماندگاری همین باشد؛ به فردا فکر کردن و ادامه دادن. حالا دوباره قرار است نویسنک صدایمان باشد؛ جایی برای فکر کردن و حرف زدن. نشانه‌ی این که زنده‌ایم و همچنان می‌خواهیم دیده شویم، گفت‌وگو کنیم و به آینده دل ببندیم. مثل روشن کردن چراغی تازه در دل خانه، چراغی که تا در کنار هم بمانیم خاموش نخواهد شد.



همه داستان هم نقد داستان



استاد مجید راستی
مدرس و گرداننده جلسه

نگاهی به
جلسات نقد
داستان
در انجمن
کودک و
نوجوان

آئینا اسلامی

سالی که گذشت

از ۱۹ فروردین ۱۴۰۳ تا آخرین روزهای اسفند ۱۴۰۳ مجموعاً ۲۱ جلسه داستان‌خوانی در انجمن کودکان و نوجوانان برگزار و در آن ۸۹ داستان خوانده شد و حاضران به نقد و بررسی آن پرداختند. در بیشتر این جلسات، عضوی از هیئت مدیره ی انجمن یا نویسندگان شناخته شده ی ادبیات کودک حضور داشتند و با صحبت در مورد اثر یا نکات کلیدی، به گرمی این محفل افزودند.

حرف‌های استاد

آقای مجید راستی، نویسنده کهنه کار کشورمان، از حضور جوانان و نوقلمان در کنار نویسندگان حرفه‌ای در این جلسات استقبال می‌کند و آن را نقطه عطفی برای ادبیات کودکان می‌شمارد. به گفته ایشان یکی از اتفاقات جالب توجه در این جلسات خوانش کتاب در حضور نویسنده آن و همراهی و تحلیل خوانندگان حاضر می‌باشد. این تحلیل‌ها به حدی جالب توجه هستند که می‌توانند در بهبود داستان کمک شایانی انجام دهد و نویسندگان می‌توانند از این نظرات در آثار خود استفاده کنند. از زیبایی‌های دیگر این جلسه حضور رده‌های مختلف سنی است که در کنار هم به پویایی این جلسات می‌افزایند.



ایشان همچنین حضور گاه به گاه عضوی از هیئت مدیره را در حمایت از این جلسات بسیار مفید دانسته و از این همراهی کمال تشکر را ابراز می‌دارد.

یک عضو فعال

رضا بهنام یکی از اعضای فعال این جلسه است. این نویسنده و روزنامه‌نگار عضو انجمن علاوه بر مثبت خواندن این اقدامات از جناب مجید راستی برای مدیریت مهربانانه‌شان تشکر و حضور ایشان را نقطه قوت این اتفاق می‌داند.

هدف از این جلسه چیست؟

- تشویق به مطالعه ی آثار خوب
- تشویق به نوشتن مستمر
- تقویت روحیه ی نقدپذیری
- استفاده از نظرات حاضران در مقام دوست و مخاطب
- حضور اعضای انجمن در جلسات



سیزدهمین دوره نشان لاک پشت پرنده

آیین پایانی سیزدهمین دوره ی اهدای نشان‌های لاک پشت پرنده با همکاری مؤسسه شهرکتاب و حضور نویسندگان، تصویرگران، ناشران، داوران و دوستداران ادبیات کودک و نوجوان، ۲۶ فروردین ۱۴۰۴، در فروشگاه شهرکتاب مرکزی برگزار شد.

روان‌شناختی کودک و نوجوان در ایران گفت.

در ادامه، شادی خوشکار، بیانیه ی گروه داوران را خواند. سپس، نشان‌های ویژه ی این دوره به منیر همایونی (پوراصلانی)، به‌خاطر کوشش‌ها و پیگیری‌های بی‌وقفه و حضور مؤثر در ترویج کتاب‌خوانی میان کودکان و نوجوانان ایران و محمدعلی بنی‌اسدی به‌خاطر حضور مؤثر در حوزه ی تصویرگری کتاب کودک اهدا شد.

در بخش اهدای نشان‌های طلایی و نقره‌ای لاک‌پشت پرنده، با اعلام اینکه هیچ کتابی موفق به دریافت نشان طلایی نشده، تأکید شد که گروه داوران نشان طلایی را تنها در صورت تحقق بالاترین معیارها در روایت، ساختار، زبان و تأثیرگذاری اهدا می‌کنند.

در این مراسم، محمود برآبادی، نماینده داوران با مروری کوتاه بر تاریخچه شکل‌گیری لاک‌پشت پرنده، درباره ی فرایند اجرایی جایزه توضیح داد. سپس، طیبه اژهای، مدیر بخش کودک و نوجوان مؤسسه شهرکتاب، با تأکید بر اهمیت استمرار فهرست لاک‌پشت پرنده در شناسایی و معرفی آثار باارزش، ابراز امیدواری کرد روند بررسی آثار و انتشار فهرست‌ها با شکل‌گیری گفتگوی مؤثر میان کودکان و نوجوان و هیئت داوران، بهبود پیدا کند.

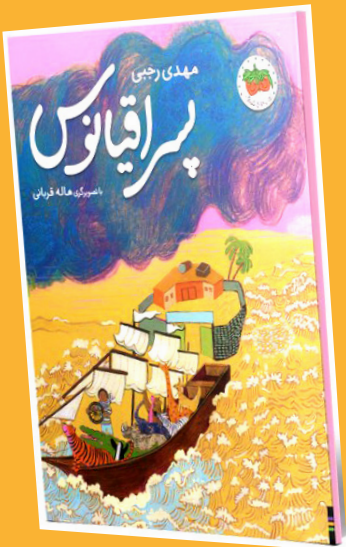
اهدای نشان‌های این دوره، با معرفی کتاب یاد که ویژه کتب قدیمی است، آغاز شد. در این بخش، رؤیا میرغیاثی از اهمیت کتاب «گمشده لب دریا» نوشته غلامحسین ساعدی به عنوان یکی از نخستین تجربه‌های ادبیات

برگزیدگان نشان نقره‌ای

- ◀ زهره پریخ نویسنده ی کتاب «دوتوک؛ عروسک کوچک بلوچی» و تقدیر از افسانه احسانی و سپیده شهبازی، پژوهشگران این اثر و هاله قربانی، تصویرگر کتاب
- ◀ مرجان فولادوند نویسنده ی مجموعه «هفت جاویدان»
- ◀ مهدی رجبی نویسنده ی کتاب «پسر آقیانوس» و تقدیر از هاله قربانی، تصویرگر کتاب

نکاتی از بیانیه

- ◀ حضور پررنگ آثار تألیفی درباره ی ایران در فهرست نامزدهای نهایی
- ◀ تقلیل زندگی به مهارت در کتاب‌های کودکان
- ◀ افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تولید و انتشار کتاب
- ◀ انتقاد از عملکرد نهادهای عمومی و دستگاه‌های اجرایی، که با تنگ کردن دایره انتخاب کتاب برای کتابخانه‌های عمومی و مدارس عملاً به حذف کتاب از زندگی کودکان و نوجوانان کمک کرده‌اند



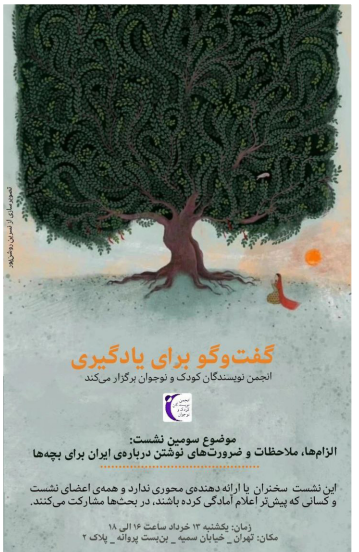
با هم آموختن و به هم آموزاندن

نگاهی به نشست‌های «گفت‌وگو برای یادگیری»

سارا حسین‌پور



علی اصغر سیدآبادی
مبدع و تسهیلگر جلسه



سیدعلی کاشفی خوانساری، نویسنده، تفاوت میان «پیام» و «ایدئولوژی» را یادآور شد و حذف کامل پیام از یک اثر ادبی را ناممکن دانست.

فرهر منجری، مترجم، ایدئولوژی را «تفکری که می‌خواهد به اجبار پذیرانده شود» تعریف کرد و نمونه‌هایی از رویکردهای ایدئولوژیک سرمایه‌داری، کمونیستی، فاشیستی و مذهبی را در ادبیات برشمرد. از سوی دیگر، شیوا حریری، مترجم و ویراستار، تأکید کرد که پیام ایدئولوژیک همیشه بار منفی ندارد و گاهی پیام‌های مثبت نیز، با تکرار و برنامه‌ریزی، به دغدغه‌ای عمومی بدل می‌شوند.

مریم شوقی، زبان‌شناس، فهرستی از مهم‌ترین ایدئولوژی‌های حاکم بر ادبیات کودک جهان ارائه داد و فاطمه ستاری، آموزگار، تجربه خود را از بی‌علاقگی کودکان به داستان‌هایی که پیامشان بیش از حد پنهان است، مطرح کرد.

حسن اسماعیلی طاهری، نویسنده و ویراستار ایدئولوژی را ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به منافع یک گروه دانست و بر تفاوت اثرگذاری آن بسته به شیوه‌های خواندن تأکید نمود.

در جمع‌بندی، فریدون عموزاده خلیلی، نویسنده و مدرس داستان، با مقایسه فضای امروز ادبیات کودک غرب با ایران دهه شصت، گفت: «پافشاری بر ایدئولوژی در ادبیات کودک غرب، اکنون پررنگ‌تر از نمونه‌های مشابه در ایران آن دوران است. نویسنده‌ی خوب، به جای مستقیم‌گویی، کودک را به کشف دعوت می‌کند.» او بهترین راه پرهیز از ایدئولوژی‌زدگی را بیان غیرصریح و سیال دانست که به کودک امکان کشف و تفسیر بدهد.

فرصتی برای رشد جمعی

«گفت‌وگو برای یادگیری» نه‌تنها محفلی برای طرح دیدگاه‌های متنوع است، بلکه بستری برای هم‌نشینی نسل‌های مختلف نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران و دست‌انداران ادبیات کودک فراهم می‌کند. استمرار این نشست‌ها می‌تواند به ارتقای کیفیت ادبیات کودک و نوجوان ایران و همسویی آگاهانه‌تر آن با روندهای جهانی کمک کند.



انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در سال ۱۴۰۳ سلسله نشست‌هایی را با عنوان کلی «گفت‌وگو برای یادگیری» آغاز کرد؛ برنامه‌ای که به پیشنهاد و تسهیل‌گری علی‌اصغر سیدآبادی شکل گرفت و هدف آن، ایجاد فضایی برای هم‌اندیشی، تبادل تجربه و افزایش سطح آگاهی نویسندگان و علاقه‌مندان حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. این نشست‌ها سخنران محوری نداشت و همه‌ی اعضای نشست و کسانی که پیش‌تر اعلام آمادگی کرده بودند، می‌توانستند در بحث مشارکت کنند. این نشست‌ها هر دو هفته یک‌بار برگزار می‌شد و مشارکت در آن آزاد و رایگان بود. در سال ۱۴۰۳ هفت نشست گفتگو برگزار شد که هر یک به موضوعی مهم در قلمرو ادبیات کودک و نوجوان اختصاص داشت. انجمن امیدوار است این جلسات مجدداً برپا شود.

در هر جلسه چه حرف‌هایی زدیم

- نوشتن برای کودکان و نوجوانان به چه معرفت‌هایی نیازمند است؟
- هوش مصنوعی و کتاب کودک و نوجوان
- الزام‌ها، ملاحظات و ضرورت‌های نوشتن درباره‌ی ایران برای بچه‌ها
- شعر نوجوان
- رمان نوجوان و کنشگری اجتماعی
- روندهای جهانی ادبیات کودک و نوجوان
- ایدئولوژی‌های آشکار و پنهان در ادبیات کودک و نوجوان

مروری بر یک جلسه

نشست هفتم، که روز سه‌شنبه ششم شهریورماه ۱۴۰۳ برگزار شد، به بررسی «ایدئولوژی‌های پیدا و پنهان در ادبیات کودک و نوجوان» اختصاص یافت. در آغاز، علی‌اصغر سیدآبادی با اشاره به پیام‌های پرتکراری که به پشتوانه نهادهای قدرت در ادبیات کودک رواج یافته‌اند، یادآور شد که ایدئولوژی‌زدایی در آثار ادبیات امروز ایران واکنشی طبیعی به افراط‌های دهه‌های پیشین است. او همچنین نمونه‌هایی از ایدئولوژی‌های پنهان در آثار کودک جهان را مطرح کرد.



ماریون برونه

برنده جایزه آسترید لیندگون ۲۰۲۵

زهره مسکنی

جایزه ادبی آسترید لیندگرن، دومین جایزه بزرگ ادبیات کودک و نوجوان جهان پس از جایزه «هانس کریستین اندرسن» است. ماریون برونه، نویسنده فرانسوی، اول آوریل ۲۰۲۵ (۱۲ فروردین ۱۴۰۴) این جایزه ادبی پنج میلیون کرونی سوئد را از آن خود کرد. این مبلغ معادل حدود چهارصد و هشتاد هزار دلار آمریکاست. در این دوره، ۲۶۵ نویسنده، تصویرگر، مروج کتابخوانی و نهاد ادبی از ۷۲ کشور جهان به عنوان نامزدهای جایزه یادبود «آسترید لیندگرن» در سال ۲۰۲۴ معرفی شده بودند.

برونه کیست؟

برونه سال ۱۹۷۶ متولد شده و در حال حاضر ساکن مارسلی در کشور فرانسه است. نخستین رمان ماریون برونه که سال ۲۰۱۳ با عنوان «خواهر» منتشر شد، درباره خواهر و برادری است که با دو مادر بزرگ می شوند. «تابستان چرخشی» (۲۰۱۸) و «سلاح های ما» (۲۰۲۴) از دیگر آثار برونه است. وی در آثار خود که به حدود ۱۵ کتاب رسیده و بیشتر آنها رمان نوجوان است به مسائل اجتماعی روز می پردازد و تصاویر ژرفی از گروه های آسیب پذیر و جوانان شورشی ترسیم می کند. او با انتخاب موضوعاتی بر اساس مسائل روز و پیوندهایی به فولکلور و اسطوره ها، در پی خلق آثار ماندگار است. برونه در آثارش به مسائل اجتماعی و خشونت و همچنین بحران آب و هوا و ترس جوانان از آینده می پردازد. آثار او که به گفته هیئت داوران جایزه آسترید لیندگرن با زبانی درخشان و شفاف خلق می شود، تاکنون به زبان های انگلیسی، اسپانیایی، کاتالانی و روسی ترجمه شده است. کتاب های او پیشتر به بیش از سی جایزه دست یافته بود که مهمترین آن جایزه یونسکو برای ادبیات نوجوانان در سال ۲۰۱۷ بود.

پس از پیروزی

برونه طی گفت وگویی با خبرگزاری سوئد، کشور محل اهدای جایزه گفت: «فوق العاده خوشحالم و به سختی می توانم این افتخار را باور کنم. حتی از اینکه نامزد شده بودم، بسیار خوشحال بودم و هرگز تصور نمی کردم که شانس برای دریافت جایزه داشته باشم. برای من، این جایزه به معنی نوبل ادبیات کودک است، بزرگترین جایزه ای که يك نویسنده کودک می تواند دریافت کند و بزرگترین جایزه ای است که وجود دارد.»

نظر داوران

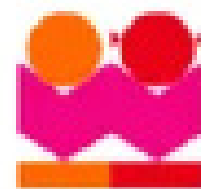
هیئت داوران جایزه یادبود آسترید لیندگرن در بیانیه ای دلیل انتخاب ماریون برونه به عنوان برنده جایزه آسترید لیندگرن را چنین اعلام کرد: «کتاب های ماریون برونه در زمانه ای خروشان و پرتلاطم جریان دارند؛ با بحران اقلیمی و آسیب پذیری اجتماعی به عنوان درون مایه های تکرارشونده، که در نثری درخشان و شفاف، جوانانی را به تصویر کشیده که علیه جامعه ای فاسد شورش می کنند. در این آثار، بخش های تاریک و خشن جهان ما در روایت های به موقع برونه کاوش شده و با پیوند به اسطوره ها و فرهنگ عامه، این آثار جاودانه می شوند.»

نامزدهای ایرانی

احمد اکبرپور (نویسنده)، علی خدایی (تصویرگر)، علیرضا گلدوزیان (تصویرگر)، هدی حدادی (تصویرگر)، هوشنگ مرادی کرمانی (نویسنده)، محمد میرکیانی (نویسنده)، نوید سید علی اکبر (نویسنده)، با من بخوان (نهاد ادبی) و رضا دالوند (نویسنده/تصویرگر) نامزدهای امسال این جایزه ادبی از ایران بودند. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، شورای کتاب کودک، کانون پرورش کودکان و نوجوانان و مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، چهار نهاد ایرانی هستند که می توانند برای این جایزه نامزدهایی را معرفی کنند.

جایزه «آسترید لیندگرن» از سال ۲۰۰۲ توسط دولت سوئد برای بزرگداشت «آسترید لیندگرن» نویسنده شهیر این کشور بنیان نهاده شد. این جایزه به اشخاص یا سازمان هایی اهدا می شود که نقش برجسته ای در خلق ادبیات کودک و نوجوان یا ترویج آن داشته باشند. هر سال بیش از ۲۵۰ فرد یا نهاد از سراسر جهان برای این جایزه نامزد می شوند.

نامزدی در این جایزه نه تنها می تواند توجه جهانی را به نویسنده و ترویج گر معرفی شده جلب کند، بلکه در مطرح شدن ادبیات و فعالیت های فرهنگی کشور در سطح جهانی نیز نقش به سزایی دارد.



BOLOGNA CHILDREN'S BOOK FAIR



مانند فیلم و سریال‌های انیمیشن است. این نمایشگاه فروش مستقیم کتاب ندارد و برنامه‌هایی چون نشست‌های کتابخوانی برای کودکان نیز در آن برگزار نمی‌شود. مخاطبان و بازدیدکنندگان این نمایشگاه، نویسندگان و تصویرگران کتاب کودک، ناشران و نمایندگان آنها، تهیه‌کنندگان فیلم و برنامه‌های تلویزیونی، کتابداران، فروشندگان و توزیع‌کنندگان کتاب هستند. اهداف برگزارکنندگان نمایشگاه بولونیا معرفی بهترین کتاب‌ها و آثار چندرسانه‌ای برای کودکان، ایجاد فرصت‌های همکاری بین ناشران، بحث و تبادل نظر درباره بخش‌های مورد توجه مخاطبان و ایجاد محیطی مناسب برای خرید و فروش حقوق آثار است.

داده‌های ارائه‌شده در این دوره نمایشگاه بولونیا نشان می‌دهد که زمان مطالعه کودکان به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. کودکان ۷ تا ۹ ساله اکنون به‌طور متوسط تنها ۲ ساعت و ۲۳ دقیقه در هفته مطالعه می‌کنند، در حالی که زمان استفاده آنها از تلفن‌های هوشمند بیش از ۱۰ ساعت در هفته است.

تریسی فیلیپس، مدیر حقوقی گروه انتشاراتی هچت (HCG) کشور انگلیس نیز گفت: «در پاسخ به کاهش نرخ سواد در سراسر جهان، مشتریان ما از ما تعداد کلمات کمتر و کتاب‌های مصور بیشتر، اغلب به صورت تمام رنگی استقبال می‌کنند و به نظر می‌رسد در کتاب‌های کودک توجه به این مسئله یک ضرورت است.»

همچنین «کلر ویلسون» رئیس انجمن نویسندگان بریتانیا گفت: «ناشران کودک همیشه قهرمان خواندن در هر قالبی هستند. پیامی که من می‌شنوم این است که برای خوانندگان در هر سنی، ملاقات با آنها در جایی که هستند کلید اصلی است. وظیفه ما ایجاد کتاب‌هایی است که با توجه به محتوای خوب و کوتاه زمینه ارائه نیز جذاب باشد چون با نسلی طرف هستیم که زیاد حوصله متن‌های طولانی را ندارد.» نمایشگاه کتاب کودک بولونیا از سال ۱۹۶۳ هر سال به مدت چهار روز در مارس یا آوریل در بولونیای ایتالیا برگزار می‌شود و مکانی برای ملاقات دست‌اندرکاران انتشار کتاب‌های کودکان است. این رویداد محل مناسبی برای خرید و فروش کپی‌رایت، ترجمه و محصولات

در این دوره نمایشگاه کتاب کودک بولونیا که پل ارتباطی مهم و فراهم‌کننده فرصت‌های همکاری بین‌المللی در حوزه‌های نشر، انیمیشن و هنرهای مرتبط به شمار می‌رود، «استونی» به عنوان مهمان افتخاری نمایشگاه حضور داشت و برنامه‌های ویژه‌ای از جمله نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی را ارائه کرد. یکی از نکات برجسته این دوره، تمرکز بر پایداری و همکاری با سازمان ملل متحد برای ترویج اهداف توسعه پایدار بود. در بیانیه پایانی منتشر شده توسط ناشران شرکت‌کننده در این نمایشگاه، بر موضوع لذت مطالعه برای کودکان، کوتاه‌تر شدن مطالب و جذابیت بیشتر تصویری کتاب‌های کودک تأکید شد.

«کالی پوپلاک»، نماینده ویژه انتشارات هارپرکالینز طی سخنانی در مراسم پایانی این رویداد گفت: «فکر نمی‌کنم امسال بتوانیم بحران کتاب‌خوانی را در بازارهای کتاب نادیده بگیریم. من مشتاق بحث با ناشران در سراسر جهان هستم تا راه‌حل‌های نویسندگان را در نظر بگیریم؛ ولی توجه به تصویرگران برای سال‌های آینده یک ضرورت در نشر کتاب‌های کودک محسوب می‌شود.»

نمایشگاه کتاب کودک بولونیا

نمایشگاه کتاب کودک بولونیا، یکی از رویدادهای برجسته و بین‌المللی صنعت نشر است که به عنوان مرکز پیشرو تبادل حقوق نشر کتاب‌های کودک شناخته می‌شود. امسال بیش از ۱۵۰۰ ناشر از ۱۰۰ کشور جهان از ۱۱ تا ۱۴ فروردین در این نمایشگاه شرکت کردند و موجب بازدید ۳۱ هزار نفر و مبادله ۳۸۵ قرارداد نشر شدند.



مصور»، «مکعب‌های دیجیتال» و «ربات‌های چرخان» از دیگر برنامه‌های امسال جشنوارهٔ کتابخوانی کودک شارجه بود.

جشنوارهٔ سالانهٔ کتابخوانی کودکان شارجه از سال ۲۰۱۰ به ابتکار ادارهٔ کتاب شارجه آغاز به کار کرد و در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کودکان در منطقه تبدیل شده است. این جشنواره با حمایت شیخ دکتر سلطان بن محمد القاسمی، حاکم شارجه و همسرش، شیخه جواهر بنت محمد القاسمی برگزار می‌شود و هدف آن ترویج فرهنگ مطالعه، خلاقیت و رشد فکری کودکان است.

سال گذشته، این جشنواره با شعار «قهرمان داستان خودت باش» مشارکت بیش از ۲۵ کشور و حدود ۱۵۰۰ رویداد فرهنگی، هنری و سرگرمی را به دنبال داشت.

اشاره کرد که در فضایی به وسعت ۱۰ هزار متر مربع با تم دوران ویکتوریایی برگزار شد و کودکان را در محیطی پر از رمز و راز علم و استنتاج به چالش کشید. همچنین «موزهٔ سازندگان آینده» با ترکیب آموزش علمی و سرگرمی، از طریق فعالیت‌هایی چون حفاری فسیل دایناسورها، هدایت ماشین‌های مکانیکی، راه‌اندازی تجهیزات سنگین و شلیک موشک، فضایی خلاقانه و الهام‌بخش برای کودکان ایجاد کرد.

برگزاری ۶۰۰ کارگاه آموزشی برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، ۸۵ کارگاه تعاملی آشپزی و بیش از ۳۰ نمایش زندهٔ آشپزی با حضور سرآشپزهای سرشناس منطقه‌ای و بین‌المللی، بخش «رگن القصص المصوره» با بیش از ۱۵۰ کارگاه در زمینه‌هایی چون روایت داستان، علوم، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، موسیقی، تفکر خلاق و فناوری، کارگاه‌های شاخصی چون «نقاشی با نخ»، «طراحی مانگا»، «شمع‌سازی با الهام از شخصیت‌ها»، «نوشتن گفت‌وگوی داستان

در بخش نمایشگاهی، ۱۲۲ ناشر از ۲۲ کشور جهان آثار خود را عرضه کردند. همچنین برنامهٔ جشنواره شامل ۳۵ نشست تخصصی و گفت‌وگو محور بود که به بررسی وضعیت کنونی صنعت نشر، به‌ویژه ادبیات کودک پرداخت و راهکارهایی برای تقویت فرهنگ مطالعه و مقابله با چالش‌های پیش‌روی صنعت کتاب در منطقه و جهان ارائه شد. افزون بر این، جشنواره میزبان نمایشگاه‌های سیار، اجراهای نمایشی و مجموعه‌ای از کارگاه‌های آموزشی رایگان و غیر رایگان بود. جشنوارهٔ کتابخوانی کودکان شارجه با قدرانی از کتاب‌های ارزشمند در زمینه ادبیات کودک، در صدد پرورش فرهنگ ادبی به منظور پربار و غنی کردن ذهن کودکان و جوانان سراسر جهان عرب و فراتر از آن است. این جشنواره با بزرگداشت اصالت و مهارت در داستان‌نویسی به دنبال الهام‌بخشی به نسل جدید خوانندگان و ایجاد حس کنجکاوی و تفکر انتقادی و عشق ورزیدن مادام‌العمر به کتاب است. از بخش‌های نوآورانهٔ این دوره می‌توان به «مسابقه شرلوک هولمز»

جشنوارهٔ کتابخوانی شارجه

شانزدهمین دوره «جشنواره کتاب‌خوانی کودک شارجه» از ۲۵ آوریل ۲۰۲۵ (۵ اردیبهشت ۱۴۰۴) در مرکز اکسپو شارجه آغاز به کار کرد و تا ۴ می (۱۵ اردیبهشت) ادامه داشت. «اداره کتاب شارجه» که برگزاری این جشنواره را بر عهده دارد، شعار این دوره را «کتاب‌ها تور در بر می‌گیرند» تعیین کرده بود. بر اساس اعلام برگزارکنندگان، جشنوارهٔ امسال شامل ۱۰۲۴ رویداد فرهنگی، هنری و سرگرمی با حضور ۱۳۳ مهمان از ۷۰ کشور جهان بود. همچنین در این دوره، ۴۳ نویسنده از امارات متحده عربی و کشورهای عربی و ۳۰ نویسنده و تصویرگر بین‌المللی مشارکت داشتند که در مجموع به مشارکت بیش از ۲۰۰ نویسنده، متفکر، تصویرگر و پژوهشگر از داخل و خارج از جهان عرب در این رویداد انجامید.

خاطره‌بازی

از اولین مجمع عمومی انجمن چه به یاد دارید؟

درخواست ثبت مؤسسه فرهنگی «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ایران» در سال ۱۳۷۷ با امضای ۹ نفر از نویسندگان نامدار ادبیات کودک به عنوان هیئت مؤسس به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه شد. سپس فراخوان عضویت انجمن در نشریات مختلف به چاپ رسید. تا زمان برگزاری نخستین مجمع عمومی در موزه هنرهای معاصر به تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۷۷، ۱۴۸ نویسنده در انجمن ثبت نام کردند که ۱۰۹ نفر ایشان در مجمع عمومی حاضر شدند.

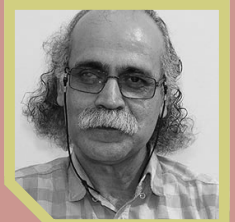
هیات موسسان



مرحوم حسین ابراهیمی الوند



مهدی حجوانی



فرهاد حسن زاده



مصطفی رحمان دوست



شهرام شفیعی



مرحوم سوسن طاق‌دیس



فریدون عموزاده خلیلی



حسین فتاحی



محمد رضا محمدی پاشاک



مجید راستی



مرحوم محسن سلیمانی



علی اصغر سیدآبادی



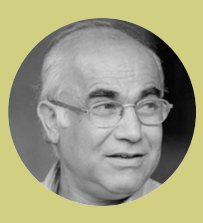
محمد علی شامانی



فریبا کلهر



محمد هادی محمدی



محمد رضا یوسفی

نتیجه انتخابات اولین مجمع

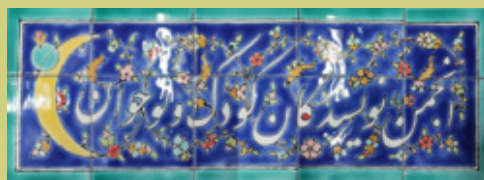
در اولین مجمع عمومی ترکیب منتخبان به ترتیب تعداد آرا چنین شد: فریدون عموزاده خلیلی، مهدی حجوانی، محمد رضا محمدی پاشاک، مصطفی رحمان دوست، محسن سلیمانی، علی اصغر سیدآبادی، محمد محمدی.

اعضای علی‌البدل

شهرام شفیعی، سوسن طاق‌دیس، محمد رضا یوسفی.

ترکیب بازرسان: محمد علی شامانی، فرهاد حسن زاده، فریبا کلهر

بازرسان علی‌البدل: مجید راستی و سید علی کاشفی خوانساری



بریده جراید

«پس از دوم خرداد ۷۶ که منشاء تحولات مهمی در صحنه اجتماع بود و بحث حضور بیشتر مردم در صحنه و حرکت به سوی جامعه مدنی را مطرح کرد، در پاییز سال ۷۶، کسانی مانند: علی اصغر سیدآبادی، سوسن طاق‌دیس، حسین فتاحی، فرهاد حسن زاده، محمد رضا محمدی پاشاک و شهرام شفیعی جلسه‌هایی را برای تشکیل چنین انجمنی برگزار کردند و پس از مدتی، دیگران را هم که بعضی از آنها سابقه بیشتری در این کار داشتند، به جمع خود خواندند. این فراخوانندگان عبارت بودند از فریدون عموزاده خلیلی، شکوه قاسم‌نیا، مصطفی رحمان دوست، حسین ابراهیمی و مهدی حجوانی.»

بخشی از مقاله دکتر مهدی حجوانی

تاریخ شفاهی

فرهاد حسن زاده

«پس از چند سفر گروهی نویسندگان به شهرهای مختلف احساس می‌کردم نویسندگان ساکن تهران با اینکه در یک شهر هستند ولی از هم دور هستند و فقط در سفر از حال هم با خبر می‌شوند و نیاز به دیدار بیشتر و دور همی از طرف من و برخی از دوستان احساس می‌شد. پس از چند سفر با دوستانی مثل شهرام شفیعی و (قاسم‌علی) فراست و حسن فرهنگی، محمد عزیزی، خسرو باباخانی و ... پیشنهاد کردم که به طور مرتب جلسه‌هایی داشته باشیم. دو سه باری در فرهنگسرای اندیشه دور هم جمع شدیم ولی آنجا زیاد دوام نیاورد و بعد قرارهایمان را در یک سفره‌خانه سنتی در پارک شهر گذاشتیم. آنجا بهتر بود و دوام بیشتری داشت. گپ و چای و خبر از کارها و این در آن در بود. و من هر جا می‌رفتم از دوستان می‌خواستم که به ما بپیوندند. از جمله جلسه‌های داستان کیهان بچه‌ها و سروش نوجوان. آدم‌ها هم متناوب می‌آمدند یا نمی‌آمدند. یک روز که به وزارت ارشاد رفته بودم درباره این جمع و ضرورتش با (علی اصغر) سیدآبادی (مدیر واحد کتاب کودک وزارت ارشاد) حرف زدم و از او خواستم که او هم پیش ما بیاید. او گفت چرا این جمع را به شکل هدفمندی متشکل نمی‌کنید؟ من که هیچ تجربه و ایده خاصی

نداشتم از کنار حرفش گذشتم. چند روز بعد خودش به من تلفن زد و گفت بیایم به جلسه‌ای تا درباره تشکیلی صحبت کنیم. این جلسه در اتاق خودش در وزارت ارشاد برگزار شد. دوره خاتمی بود و انجمن صنفی روزنامه نگاران و فکرمی‌کنم خانه سینما تازه شکل گرفته بودند. درست یادم نیست ولی ما پنج نفر بودیم و صحبت از اساسنامه و تشکیل انجمن اولین بار در آنجا نطفه بست. اولین جلسه برای شکل دهی به انجمن ۲۱ مرداد ۱۳۷۷ در وزارت ارشاد و با حضور ۶ نفر یعنی من، سیدآبادی، شهرام شفیعی، حسین فتاحی، فریبا نباتی و (مرحوم) سوسن طاق‌دیس برپا شد. سیدآبادی ارتباطها و اطلاعات اداری اش بیشتر از ما بود و اساسنامه تیپ انجمن‌های فرهنگی وزارت ارشاد را آورد و ماده به ماده در چند جلسه آن را اصلاح کردیم و پیش بردیم. در نهایت برای تعیین هیات موسسان اقدام کردیم. هدف این بود که هیات موسسان کسانی باشند خوشنام و فعال که به واسطه نام آنها بقیه هم بیایند و عضو شوند. در نهایت به ترکیب نهایی که اکنون می‌بینید و ثبت قانونی شده رسیدیم. آن زمان من در پژوهشنامه (پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان) کار می‌کردم و اولین فراخوان یادم است که در پژوهشنامه و مجله سروش نوجوان منتشر شد.»

فراخوان

لطفاً خاطرات و عکس‌های خود را از انجمن و جمع‌های نویسندگان در گذشته‌های دور و نزدیک برایمان بفرستید.





مروری بر رویدادها

کتاب «کافه در لبه جنگل» نوشته «مایکی پلینز»، اوایل فروردین ۱۴۰۴ برندهٔ امسال جایزه کتاب‌فروشی واتراستونز (Waterstones) انگلیس شد. این جایزه یکی از جوایز معتبر ادبی بریتانیا برای بهترین کتاب‌های کودک و نوجوان است. این کتاب داستان دختری را روایت می‌کند که با کمک یک پیشخدمت رستورانی در کنار یک جنگل افتتاح می‌کند تا بهترین غذاها را سرو کند، اما متوجه می‌شود که مردم محلی غذاهای منجر کننده را ترجیح می‌دهند.



آیین نکوداشت «ثمینه باغچه بان» در آستانهٔ صد سالگی او در روز ۲۱ فروردین ۱۴۰۴ در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این مراسم جمعی از اهالی فرهنگ از جمله نوش آفرین انصاری و پروانه باغچه‌بان حضور داشتند. ثمینه باغچه‌بان نویسندهٔ کودک و نوجوان و بنیان‌گذار مؤسسه‌های آموزشی و فرهنگی برای کودکان کم‌شنوا و نابیناست.



مسعود پزشکیان، رییس جمهور، پیامی به آیین نکوداشت ثمینه باغچه‌بان فرستاد و نوشت:

«به نام خردمند بخردنواز

استاد فرزانه و فروتن

سرکار خانم ثمینه باغچه‌بان

با نهایت افتخار و احترام، قدردان تلاش‌های ماندگار و راهگشای شما در عرصه فرهنگ ایران، ادبیات کودک و نوجوان و آموزش ناشنویان هستم.

نقش شما در پاسداشت و ترویج میراث معنوی و فرهنگی ایران عزیز با تدوین داستان‌ها و ادبیات عامیانه و ترانه‌های ایرانی، خلق آثار ستودنی و شایسته در حوزه ادبیات کودک و تنظیم روش‌های نوین و تربیت آموزگاران دلسوز و کارآمد در زمینه آموزش ناشنویان، بر لوح دل و حافظه فرهنگی ایرانیان نشسته و درخشیده است.

نام نیک شما در کنار نام پدر بزرگوارتان استاد جبار باغچه‌بان که پیشگام آموزش و پرورش کودکان بوده و نخستین مدرسه ناشنویان را بنیان نهاد، همچنان برای ایران راه خواهد گشود و به نسل‌های آینده توان خواهد بخشید.

از درگاه خداوند مهربان سلامتی مدام، توفیق مداوم و استمرار تلاش‌های شما را مسئلت دارد.

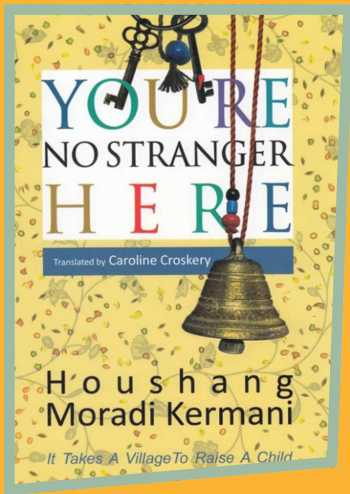
مسعود پزشکیان

رئیس جمهوری اسلامی ایران»

نامزدهای جایزهٔ کتاب اسکار (Oscar's Book Prize) ۲۵ فردین معرفی شدند. این جایزه هر سال با هدف ترویج داستان‌های جادویی و خلاقیت در ادبیات کودکان با حمایت سایت آمازون، روزنامه ایونینگ استاندارد و بنیاد ملی سوادآموزی انگلستان به بهترین کتاب تصویری منتشرشده برای کودکان پیش دبستانی در بریتانیا اهدا می‌شود. «همه چیز درباره سگ‌ها» نوشته فرد بلانت؛ «جینا کامینسکی غول را نجات می‌دهد» نوشته کریگ بار-گرین و فرانسیس مارتین؛ «هنک بوق می‌زند» نوشته مودی پاول-تاک و دانکن بیدی؛ «فقط من و تو» نوشته پولی نوکس؛ «اسب‌های وحشتناک» نوشته ریمود آنتروپاس و کن ویلسون-مکس و «روی قطار یک ببر هست» نوشته مریسا دولاک و ربکا کاب نامزدهای این دوره هستند.



آیین پایانی سیزدهمین دورهٔ اهدای نشان‌های لاک‌پشت پرنده با همکاری مؤسسه شهرکتاب ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در فروشگاه شهرکتاب مرکزی برگزار شد. نشان‌های مختلف این دوره به منیر همایونی (پوراصلانی)، محمدعلی بنی‌اسدی، زهره پریخ، مرجان فولادوند و مهدی رجبی رسید.



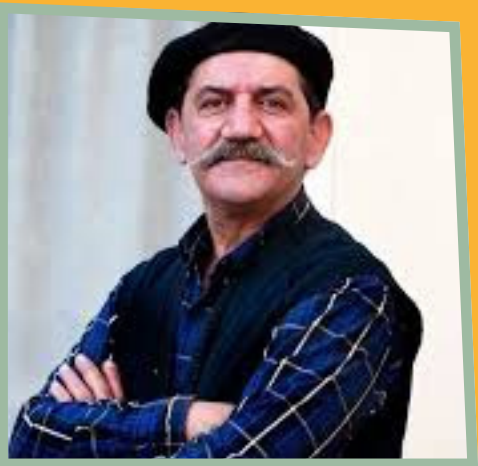
اواخر فروردین رسانه‌ها از ترجمهٔ کتاب «شما که غریبه نیستید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی توسط کارولین کراسکری مترجم آمریکایی به زبان انگلیسی خبر دادند. این ترجمه از سوی انتشارات «شمع و مه» منتشر شده و سومین اثر هوشنگ مرادی کرمانی است که به دست کارولین کراسکری به انگلیسی برگردانده می‌شود. «شما که غریبه نیستید» سال ۱۳۸۴ برگزیدهٔ شورای کتاب کودک شد و در سال ۲۰۰۶ هم به کاتالوگ کلاغ سفید کتابخانه بین‌المللی کودکان در مونیخ راه یافت.



شبکه HBO اواخر فروردین فهرست اولیه بازیگران سریال تلویزیونی «هری پاتر» را منتشر کرد. این پروژه اقتباسی جدید از مجموعه رمان‌های محبوب جی. کی. رولینگ خواهد بود. معرفی بازیگرانی چون جان لیسگو در نقش آلبوس دامبلدور، جنت مک‌تیر به عنوان مینروا مک‌گوناگل، پاپا اسیدو در نقش سوروس اسنیپ و نیک فراست در نقش هاگريد، از بازآفرینی جهان جادویی هاگوارتز با رویکردی متفاوت خبر می‌دهد.



مراسم نخستین جایزهٔ مترجم ادبیات نوجوان (جمان) ۲۸ فروردین در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. این مراسم با تقدیر از «فریده خرمی» مترجم کتاب «من مینوتار هستم: (طردشده‌ها هم قدرت دارند)» نوشته «آنتونی مک‌گان» به کار خود پایان داد. هیئت داوران هیچ مترجمی را شایسته نشان «جمان» ندانست و برای قدردانی از سال‌ها تلاش رضی هیرمندی در حوزه ترجمه ادبیات کودک و نوجوان، این نشان را به این مترجم پیشکسوت تقدیم کرد.



تولید مجموعه «آقای قصه‌گو» با روایت و نویسندگی حمید جبلی از اوایل اردیبهشت آغاز شد. تصویربرداری این مجموعه که ترکیبی از انیمیشن و واقعیت است، در اطراف رباط کریم انجام می‌شود. این سریال ویژهٔ کودک و نوجوان، روایت یک شهر با فضای انتزاعی و داستان‌هایی متناسب با نوجوانان و خانواده‌هاست و برای نوشتن آن از قصه‌های فولکلور ایرانی و آثاری از مولانا، سعدی و خیام اقتباس شده است. داستان درباره مردی به نام «آقای قصه‌گو» است که در کتابخانه‌ای نزدیک یک شهر زندگی می‌کند و به عنوان مجری رادیوی شهر به روایت داستان‌های قدیمی می‌پردازد.

NEVISA K

No. 1, spring 2025

The magazine you are holding is the first issue of the "Children and Youth Writers Association Magazine" in Iran, presenting the activities of this association.



The Iranian Association of Writers for Children and Youth

The Iranian Association of Writers for Children and Youth is a nonprofit, independent legal entity established in 1999 by a founding board of nine authors of children's and young adult literature.

Over the past 27 years, the Association's membership has grown to nearly 700. Its members include fiction writers, poets, translators, scholars, critics, and researchers, all active in the fields of children's and young adult literature and culture.

Goals of the Association

1. Protecting the independent identity and the material and moral rights of writers of children's and young adult literature.
2. Establishing effective communication between writers of children's and young adult literature and organizations, publishing houses, civic associations, as well as cultural and artistic centers in Iran and abroad; and facilitating exchanges with foreign writers and experts.
3. Issuing statements to announce the Association's stance on issues and events related to children's and young adult literature.
4. Designing and implementing projects related to children's and young adult literature, in partnership with relevant organizations and institutions.
5. Enhancing both the quality and quantity of children's literature by organizing cultural meetings and activities.

Structure of the Association

The Association of Writers for Children and Youth is founded on the collective will of children's and young adult writers and operates in accordance with its constitution, which has been approved by all members.

Contact us
anjoman451@gmail.com